

آقایان موافق باشند جلسه را ختم کنیم  
**سر دار معظم** - اجازه بفرمائید توضیح داده شود اگر چه مطلب واضح است ولی باید مطلب معلوم شود معلوم است قابل توجه نشدن این پیشنهاد لازمه اش رد شدن این طرز در عمل نخواهد بود چون بدمها ممکن است گفته شود که این طرز در مجلس رد شده است خیر اینطور نیست منتهای اینست اتخاذ یکی از این شقوق بنظر دولت واگذار شده است و ممکن است خود دولت این شق را اتخاذ کند ؟

**حاج عز الممالک** - البته همینطور است که آقایان موافقند این مطلب راجع بنظامنامه است هر طور صلاح بود معین میشود

**رئیس** - جلسه آتیه روز شنبه و دستور هم بقیه همین قانون و قانون تصویب بودجه ۳ ماهه اخیر سه ماه رسمی نیل مجلس خواهد بود

**وزیر مالیه** - این لایحه ایست راجع باستقراض داخلی بمجلس مقدس تقدیم میشود

**رئیس** - ارجاع میشود بکمیسیون بودجه **سر دار معظم** - آیا تصویب نمی فرمائید که در دستور روز شنبه لایحه تبدیل مالیات خالصه جات انتقالی به مالیات اربابی گذاشته شود چون راپورتش تا روز شنبه داده خواهد شد

**رئیس** - اگر حاضر شد و توزیع شد جزء دستور میکنیم زیرا دو ماده بیشتر نیست البته اگر حاضر شود ممکن است جزء دستور باشد قانون نظام راهم بنده عرض کرده بودم آن قسمتی را که راجع بسرباز گیری است حاضر کنند و مقدم بدارند ولی گویا بعکس شده است

**سر دار معظم** - چون بهمین ترتیب از وزارت جنگ آمده بود تقاضا کردند تشکیلات وزارت جنگ مقدم شود البته تشکیلات سرباز گیری مقدم تر است اول باید تشکیلاتی در وزارت جنگ داده شود بعد آن قانون سرباز گیری مطرح مذاکره شود باین جهت ما آنر مقدم داشتیم

**رئیس** - وزارت جنگ که آن لایحه را بپسندیده دادند چیزی نگفتند

**سر دار معظم** - معاون وزارت جنگ که بکمیسیون آمده بود اینطور گفت

**رئیس** - این دو لایحه را توأماً به بنده دادند و اگر معاون در خارج چیزی گفته است رسمیت ندارد آقای عدالمالک از معاون وزارت جنگ عدلیه گویا سئوالی دارند

**عدالمالک** - این سئوالی که بنده میکنم از طرف خودم بنام کمیسیون عدلیه است مطابق اطلاعاتی که بکمیسیون عدلیه رسیده در موقعیکه رئیس عدلیه آذربایجان در صدد تشکیل عدلیه آذربایجان و اجرای قوانین موضوعه برآمده بعضی موانع و اشکالاتی برای ایشان فراهم شده است و این مطلب را بکمیسیون عدلیه اطلاع دادند این بود کمیسیون عدلیه بنده را مأمور کرده است که از آقای وزیر عدلیه استعلام کنم که آیا در این باب چه اقدامی کرده است و این تلگرافاتی که رسیده است صحیح است یا کذب است و در صورت صحت برای این نوع اقدامات که برضد قوانین موضوعه و برضد اساسیت می شود چه اقداماتی کرده اند  
**معاون وزارت عدلیه** - از طرف رکن الممالک اظهار شده بود که بعضی نا مساعدتی های معنی نسبت بامور عدلیه شده ولیکن یک قسمتی از

آنها بمساعدت والا حضرت اقدس ولیعهد رفع شد و یک قسمت دیگری از آنهم در بین هیئت دولت و ایالت آذربایجان مذاکره است و گمان میکنم آنهم در همین چند روزه رفع بشود و البته ایشان هم این ترتیب را مرعی خواهند داشت که حفظ مراتب دولت و مأمورین دولت و هم حفظ قانون عدلیه در آنجا بشود

**عدل الملک** - بله مذاکره خاتمه پیدا کرد و بنا شد اقدامات بکنند ولی چیزیکه در راپورت بود و فراموش کردم که عرض کنم این بود که همان راپورتیکه به کمیسیون رسیده است مساعدت و الاحضرت اقدس ولیعهد رادری شرف امور عدلیه اشمار میدارد بله والا حضرت نهایت مساعدت را نسبت بقوانین موضوعه فرموده اند و همچنین سردار رشید دستور العمل داده اند که در این باب کمال مساعدت را بنماید او هم در واقع خیلی اظهار مساعدت نموده است غرضم این بود که وزارت عدلیه اطلاع داشته است یاخیر و ایشان چه اقدامی کرده اند این را هم خواستم از برای توضیح عرض کنم

**رئیس** - کمیسیون عدلیه خوبست در باب قانون مجازات اقدامی بکنند و یک قدری زودتر راپورت بدهند (مجلس بیست دقیقه بعد از غروب ختم شد)

**جلسه ۶۷**

**صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۳**

مجلس دوساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای موتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه دهم قرائت شد  
 قائمین بدون اجازه - آقای سلطان العلماء سردار معظم کردستانی  
 قائمین با اجازه - صدر الممالک وحید الملک - عدالمالک مریض

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟ (اظهاری نشد) ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد دستور امروز یکی بقیه شور دوم در قانون دخانیات و دیگری قانون راجع بغالصات انتقالی ولی اگر آقایان مخالفی نداشته باشند اول يك فقره راپورت راجع بنمایندگی آقای آفاشیخ رضای دهخوار قانیست و دیگری راپورت کمیسیون مبتکرات راجع ببیشنهاد آقای سردار معظم در باب تعمیر مقبره نادر شاه قرائت شود بعد داخل دستور شوم آقای مبصر الملک مخبر شنبه سوم راپورت شنبه را راجع بنمایندگی آقای شیخ رضای دهخوار قانی بمضمون ذیل قرائت نمودند

مورخ پنجشنبه ۲۹ شهر شوال ۱۳۲۳ شنبه سوم در تحت ریاست آقای استرآبادی با حضور هفت نفر از ۱۲ نفر اعضاء منعقد گردیده رسیدگی بانتخابات تهران و توابع گردید چون آقای مستوفی الممالک که بسمت نمایندگی انتخاب شده بودند قبل از قبول اعتبار نامه مقام ریاست وزراء و وزارت داخله را قبول فرمودند لهذا انجمن نظارت مرکزی انتخابات حوزه تهران و توابع مجدداً در یوم یکشنبه دهم شوال تشکیل یافته و موافق قانون انتخابات نمایندگی آقای شیخ رضای دهخوار قانی که نسبتاً حائراً اکثریت بوده اند و از یازده هزار و چهار صد و بیست و هشت رأی از آراء مأخوذه ۳۴۲۸ رأی باسم مشارالیه بود تصدیق

و اعتبارنامه داده بودند  
 شعبه سوم با نهایت دقت رسیدگی نموده چون انتخاب دهخوار قانی در کمال صحت بود و شکایتی هم نرسیده لهذا باتفاق آراء نمایندگان معزنی الیه تصدیق گردید

**رئیس** - راجع بوکالت آقای آفاشیخ رضای دهخوار قانی از طهران مخالفی هست یا نیست (مخالفی نشد) مخالفی نیست رأی میکنیم بنمایندگی ایشان آقایانیکه نمایندگان ایشان را تصویب میکنند قیام نمایند ؟

(اغلب قیام نموده)

**رئیس** - تصویب شد راپورت کمیسیون مبتکرات هم طبع و توزیع شده است و با وجود این قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

کمیسیون مبتکرات در تحت ریاست آقای شریعتمدار منقده بطرح قانونی آقای سردار معظم راجع بتعمیر مقبره نادر شاه رسیدگی نموده کمیسیون طرح مزبور را باتفاق حاضرین اساساً قابل توجه دانسته و رسیدگی بمواد آنرا موکول بنظر کمیسیون مربوطه مینماید

**رئیس** - باید رأی بگیریم بقابل توجه بودن این طرح آقای حاج سید رضا مخالف هستید ؟

**حاج سید رضا** - اگر چه پاس حقون مردمان بزرگ و خدمتگذاران مملکت را باید داشته باشیم ولی ضیق مالیه امروز اجازه این نوع خرجها را نمیدهد

**سلیمان میرزا** - همین قسم که میفرمایند ما گرفتار ضیق مالیه هستیم ولی برای جبران این مسئله بتکنیر عایدات و تهیه قوانین جدید از قبیل استقراض داخلی وغیره یا کسر از مخارجیکه در بودجه هست مشغول هستیم و بهتر ترتیبی هست ممکن است ما بودجه خودمان را اصلاح کنیم بلکه میلی هم بر عایدات خودمان بیفزاییم با این ترتیب يك مختصر تعمیر آنهم بآن ترتیب که پیشنهاد شده است از برای يك شخص بزرگی که زنده کننده مملکت ایرانست حقیقه اگر ملت اظهار قدرشناسی نکنند دیگر امیدواری برای زنده ها باقی نمیمانند که از برای این ملت کار بکنند آیا چه کسی میتواند تصور بکنند که بهتر از نادر شاه و شاه عباس پادشاهی داشته ایم ولی متأسفانه هیچ حفظ آثار قبور و پاس حق گذاری آنها را در نظر نداریم بنده تصور میکنم بهترین پولیکه از بودجه ما خرج میشود پولی است که از برای یادگار این شخص بزرگ خرج میشود که مملکت ما را در يك موقع خیلی خطرناکی خلاص کرده و از برای مملکت ایران متصرفات خیلی بزرگ تهیه نموده است و حقیقه تا وقتیکه اسم ایران هست باعث افتخار ایران و ایرانیانست

**رئیس** - بنده گمان میکنم لازم نباشد که در این مطلب آنقدر مذاکره کنیم آقای حاج سید رضا هم که اظهاری فرمودند فقط من باب ضیق مالیه بود اگر آقایان مخالف نباشند رأی میکنیم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه طرح قانونی آقای سردار معظم را قابل توجه میدانند قیام نمایند

( اکثر قیام نمودند )  
 رئیس - قابل توجه شد - شروع میکنیم به بقیه شور دوم قانون دخانیات از ماده چهارم ماده دوم هم که رد شده بود کمیسیون ماده جدیدی نوشته طبع و توزیع هم شده است .  
 ( ماده چهارم بضمون ذیل قرائت شد )  
 ماده چهارم - هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاچاق یا بهر نحو دیگر از ادای مالیات بگریزند علاوه بر ضبط و مصادره مقدار مزبور به تادیبه جرمیه معادل دو برابر مبلغ مالیاتی که بان تعلق میگردد محکوم خواهد شد رئیس - در اینماده مخالفی هست یا نیست ؟  
 مدرس - معلوم است تا مردم در تمام ایران اینقانون را بفهمند و ملتفت شوند مدت مدیدی طول میکشد و گمان این است حالا که صلاح دانسته اند قاچاق را ضبط کنند مسئله است ولی دو برابر قیمت جرمیه بکنند خیلی است و فوق الطاقه است لهذا خوبست بهمان مسئله اول که (ضبط قاچاقست) اکتفا کنند و آخر ماده را ببندازند .

**محدث السلطنه** - مجازات یک چیزی است که در هر مملکتی خیلی لازم است خصوص در یک همچو موفعی که قانون جدید وضع میشود و برای صحت اجرای آن لازم است مجازاتی وضع شود که جلو گیری از قاچاق و تقلباتی که در این موضوع میشود بشود معلوم است آن کسی که قاچاق میبرد برخلاف قوانین موضوعه مملکتی رفتار میکند و باید علاوه بر ضبط آن توتون و تنباکو مقداری هم جرمیه بدهد که بعد از این مرتکب این عمل نشود و نظائری هم پیدا نکنند والا اگر غیر از این باشد قوانین بخوبی اجرا نخواهد شد .

**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - مالیات دخانیات از قرار صدی سی مال دولت است و مابقی آن مال مالک یعنی تاجر است در صورتی که آن بقیه را هم از او میگیرند دیگر جرمی از این بالاتر نبود اگر غرض این است که مجازاتی باشد و اسباب ردع از بعضی تقلبات بشود گمان میکنم مجازاتی بالاتر از این نباشد که بجهت سی تومان هفتاد تومان دیگر هم رویش بگذارد و صد تومان بدهد .

**حاج عزالممالک** - بعقیده کمیسیون هر اندازه مجلس شورای ملی در باب مجازات سخت گیری بکند برای استحکام این قانون و برای پیشرفت کار سزاوار است در این هم آقایان ملاحظه میفرمایند که جرمیه دو مقابل قیمت نخواهد بود بلکه دو مقابل مالیات آن خواهد بود و در حقیقت نصف آن مقدار توتون قاچاق شده یکقدری بیشتر میشود البته قاچاق کننده تا یک جرمیه نقدیه تصور نکنند که بر او تحمیل میشود شاید چندان وقتی در این کار نکنند در هر صورت ما این مجازات را نسبت بکی وضع میکنیم نسبت بکسی است که برخلاف قانون رفتار میکند و از برای کسی است که دزدی میکند و البته کسیکه مرتکب دزدی شده است مستحق مجازات است و این اندازه مجازات هم برای او زیاد نیست این ماده برای یک آدم صحیح درستی وضع نمیشود بلکه برای آدم پست و دزدی که برخلاف قوانین موضوعه رفتار میکند وضع میشود و البته نسبت بیک همچو شخصی هر قدر سختی

بشود سزاوار خواهد بود  
**حاج شیخ حبیب الله** - و تلك حدود الله فلا تمتدوها ما از مقررات و حدودی که قانون اساسی از برای ما تجویز کرده است نمیتوانیم تخطی کنیم این مسلم است که قانون اساسی را ما ها که اهالی این مملکت هستیم باید محافظت کنیم و محکم نگاه بداریم و تخطی از آن نکنیم اگر ما خودمان مخالفت از قانون اساسی و مقررات آن بکنیم میدانید چه نتیجه خواهد داشت بعد از اینکه این مقدمه معلوم شد این ماده چهارم را که در باب مجازات وضع شده بدو جهت نیستش رأی داد اولاً بواسطه اینکه مخالف با خود قانون اساسی است در اصل شانزدهم قانون اساسی میفرماید (حفظ املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون) من میخواهم بفهمم کدام قانونست که ما را اجازه میدهد که اموال مردم را ضبط کنیم ما یا از پیش خود یک کاری میکنیم یا یک علقی باید داشته باشد قانون یا قانون عقلاست یا قانون شرع است یا قانون مجلس از این سه قسم بیرون نیست اگر قانون شرع مقدس باشد که مسلم است نهی دارد اگر میفرمایند قوانین مجلس مقدس و کعبه آمال ایرانیان است در اصل دوم قانون اساسی تصریح کرده که هر ماده قانونیکه مخالف با قوانین موضوعه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بوده باشد قانونیت نخواهد داشت ما بیخود در این مسئله که مخالف با صریح قرآن و شرع است و یک نفر مستشرق رأی نداده زحمت میکشیم که از برای اینکه این شخص پنج تومان دزدی کرده است ما او را ضبط کنیم و علاوه بر این دو برابر هم جرمیه بگیریم شان مجلس مقدس اجل از این است که اسم جرمیه در آن برده شود پس مقتضای خود قانون اساسی حکم نمیکند چنین قانونی وضع کنیم بیکار میکنیم عقل حکم میکند که این قانون وضع شود بنده عرض میکنم هیچ عقلی حکم نمیکند که اگر کسی یک خطای جزئی کرد بواسطه آن خطای جزئی ما بیائیم یک کاری بکنیم که این بیچاره را از زندگی و معیشت محروم کنیم این مسئله از خارج میهن و معلوم است که مردمان دارا نوهالین کار را نمیکند این کارها نوهالین مردمان به عقل و احق و فطرت انسانی که این قسم کارها را میکند آنقدر احق است که نمیدانند این مالیات را که بدولت میدهد اسباب قوت دین اسلام و حفظ تهور و تقویت دولت میشود آنقدر شوم ندارد که در واقع این وجه را برای حفظ خودش بدهد برای استراحت اهالی مملکت میدهد پس باید این آدم بی شعور را بقدر بی شعوری خودش مجازات کرد این آدم اگر شعور داشت دزدی نمیکرد و در چیزیکه از برای خودش و از برای دولت خودش خرج میشود اینکار را نمی کرد فلها ما فرض میکنیم که یک کاسب ضعیف پنجاه تومان سرمایه دارد این پنجاه تومان را بعد از آنکه ضبط کردند و در مقابل مالیات آنهم جرمیه گرفتند باید خانه ولانه اش را هم بفروشد بجهت اینکه فرضاً سه تومان مالیات نداده اگر عقل تجویز می کند چه عرض کنم بنظر بنده صحیح نمی آید شاید بنظر آقایان تصویب کند ولی بنظر بنده شرع نه قانون نه عقل هیچکدام حکم نمی کند اما آقایان یک چیزی فرمودند که آن کلام صحیحی است فرمودند از برای اینکه جلو گیری از دزدی بشود ما اینکار

را میکنیم عرض میکنم این حرف صحیح است اما شما چرا از برای آن کسیکه سالی پنجاه هزار تومان مالیات مستقیم را بدولت نمی دهد مجازات وضع نمی کنید مال او را نمیگیرید و یک بیچاره ضعیف فقیری که یک مقداری از مالیات غیر مستقیم را نداده و تخلف از قوانین کرده است می آید او را با مالش میکنید این است که عقل بنده تجویز این نوع مجازات را نمی کید و لاجول و لا قوة الا بالله  
**حاج عزالممالک** - با آن مقدمه ای که آقا فرمودند من تصور کردم که اساساً بر خلاف وضع مجازات هستند ولی اتفاقاً در آخر فرمایشاتشان فرمودند باید مجازاتهایی از برای اشخاصی که اطاعت از قوانین مقرر نمیکند وضع شود پس تصدیق می فرمایند که نوشتن همین ماده مقدمه است برای همان چیزی که آقا تصور فرمودند که اگر کسی پنجاه هزار تومان مال دولت را نماند چقدر باید مجازات شود بعد از آنکه مادر اینجا این مادرا قائل شویم معلوم است که از برای او هم چه درجه از مجازات را باید قائل شویم و باید تصدیق فرمایند که اگر در قانون یک مجازاتی را قائل نشویم در حقیقت مثل این است که ما آن قانون را ننویسیم اگر این مواد از مجلس بگذارد و یک مجازاتی از برای اشخاصی که نمیخواهند این قانون اجرا شود و بطریق دزدی و تقلب و جنایت میخواهند خودشانرا از زیر بار این قانون بیرون برند وضع نشود اصلاً وضع این قانون بیچاره و بی موضوع خواهد بود اما اینکه مذاکراتی راجع بقانون اساسی فرمودند همان اصل اجازه میدهد که این قانون وضع شود زیرا که قانون اساسی مینویسد مجازات در باره کسی اجرا نخواهد شد مگر بحکم قانون قانون چه چیز است قانون آنچه چیزی است که در مجلس شورای ملی با اکثریت بگذرد محقق است همینکه قانون شد باید بموقع اجرا بیاید اما نسبت باساس مسئله که فرمودند نمیشود اینماده را وضع کرد عرض میکنم اینطور نیست مطابق فرمایش آقای مدرس اصل اینماده لازم است و متنها عقیده شان این بود که این مجازات زیاد است و بهتر آنست که اصل همان جنس ضبط شود و تحمیل دیگری بر او نشود کمیسیون تصور کرد که مرکز مجازات نقدیه هم باو تعلق بگیرد خیلی جلو گیری از تقلب خواهد نمود بالاخره بنده لازم میدانم که همچو ماده در اینجا باشد زیرا اشخاصی که برای دزدی میخواهند از زیر بار مالیات بگریزند باید به بینند که یک ماده هم برای مجازات آنها وضع شده و باید اطاعت از امر قانون بنمایند بنا بر این عقیده بنده این ماده از الزم مواد این قانونست حالا اگر بخواهند کسر یا تخفیفی نسبت بمجازات داده شود آن بسته باین است که پیشنهادی بشود و اکثریت مجلس رأی بدهد و الا اساساً تصدیق خواهد فرمود که باید همچو ماده در این قانون باشد  
**رئیس** - دو فقره پیشنهاد رسیده است اگر آقایان مذاکرات را کافی میدانند پیشنهادها قرائت شود .  
 ( گفته شد کافی است )  
 ( پیشنهاد ها بضمون ذیل قرائت شد )  
 ما امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می کنیم ماده چهارم اینقسم نوشته شود هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاچاق یا بهر نحو دیگر از ادای مالیات بگریزند همین جنس ضبط خواهد شد یعنی

هر بمتدار سوسی - شیخ الملك .  
 ( پیشنهاد آقای زنجانی )  
 بنده پیشنهاد میکنم که ماده چهارم چنین نوشته شود هر کس هر مقدار توتون و تنباکو علاوه بر مقدار یک چهار یک من تریز که برای کشیدن حامل است از مالیات بگریزند علاوه بر مالیات مقرر شده همین جنس ضبط دولت خواهد شد  
**رئیس** - آقای آقا شیخ یحیی توضیح میدهند؟  
**حاج شیخ یحیی** - بلی برای همین مسئله که مکرر گفته شد و آقایان گفتند که تحمیل فوق العاده است پیشنهاد کرده ام که بهمان ضبط جنس قناعت شود .  
**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - در مملکت عثمانی اگر یک کسی یکمقدار تنباکو دود کبسه داشته باشد که علامت مالیات آنرا نداشته باشد ضبط میکنند جرمیه هم میگیرند که کسی دیگر اینکار را نکند . در اینجا ممکن است یک کسی یک مقدار جزئی تنباکو برای کشیدنش داشته باشد و مالیاتش را نداده باشد لهذا بنده خواستم یک استثنائی شود برای کسانی که برای کشیدن خودشان یکمقدار تنباکو دارند که اگر پیدا کردند نه آنرا ضبط کنند و نه جرمیه بگیرند و اما در خصوص جرمیه بعقیده بنده همان ضبط کافیست و دیگر جرمیه نقدی صحیح نیست صدی سی را میگیرند هفتاد را هم بعنوان مجازات ببرند کافی است اما اگر بگوئیم مجازات نشود خیلی فریب است بجهت اینکه کسیکه قاچاق کرده باشد بنا کسیکه مالیات را آورده است مساوی باشند و باهم فرقی نداشته باشند تصور ندارد و معقول نیست کسیکه مالیات دولتی را نداده و گریخته است و کسیکه آورده و تقدیم کرده است تفاوت نداشته باشند معنی ندارد باید مجازات باشد ولی بنده برای مجازات ضبط را کافی میدانم .  
**حاج عزالممالک** - نسبت بمقداری که آقای زنجانی معاف کرده اند بنظر بنده صحیح نیست در اینقانون نوشته شود بجهت اینکه ما نمیدانیم آن قسمتهای تنباکو که بر آنها سرب زده میشود چه مقدار خواهد بود باین مناسبت امروز صحیح نیست در قانون نوشته شود که یک چهار یک من تریز معاف باشد پس بهتر خواهد بود که این قسمت را مسترد فرمایند اما قسمت دوم چون بعضی آقایان هم اینطور اظهار فرمودند بنده هم موافق خواهم بود که همان تنباکو ضبط شود .  
**آقا شیخ ابراهیم** - بنده توضیحی دارم اینکه میفرمایند  
**رئیس** - اجازه نگرفته که نمیشود حرف زد - پیشنهادی هم از طرف آقای نجفقلی میرزا شده قرائت میشود .  
 ( بضمون ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم که ماده چهارم اینطور نوشته شود هر کس هر مقدار توتون و تنباکو بطور قاچاق یا بهر نحو دیگر از ادای مالیات بگریزند علاوه بر ضبط و مصادره مقدار مزبور به تادیبه جرمیه حقیقه از صدوسی تعلق میگردد محکوم خواهد بود .  
**رئیس** - توضیح بدهید .  
**نجفقلی میرزا** - گمان میکنم این پیشنهاد

خودش مصرح است و محتاج بتوضیح نیست - بطوریکه ذکر شد توتون و تنباکو قاچاق البته باید ضبط شود و علاوه بر آن یک جرمیه نقدیه هم لازم است و تصور میکنم همان مبلغ صدی سی که بان تعلق میگردد کافی باشد و آنوقت در حقیقت نصف قیمت توتون و تنباکو میشود .  
**رئیس** - این پیشنهادها ثانیاً قرائت میشود هر کدام را آقای مخبر قبول دارند میفرمایند و هر کدام را قبول ندارند رأی میکنیم  
 ( مجدداً پیشنهادها بضمون سابق قرائت شد )  
**رئیس** - آقای مخبر کدام یک را قبول میفرمایند ؟  
**حاج عزالممالک** - اگر آقای زنجانی آن قسمت معافیت را مسترد بکنند بنده پیشنهاد ایشانرا قبول میکنم .  
**رئیس** - پیشنهاد آقای نجفقلی میرزا و آقای شیخ یحیی را قبول ندارند ؟  
**حاج عزالممالک** - خیر .  
**رئیس** - آقای زنجانی آن قسمت را مسترد میفرمایند یا خیر ؟  
**آقا شیخ ابراهیم** - بعقیده بنده لازم است ؟  
**رئیس** - پس چون آقای مخبر قبول نمیکند باید در قابل توجه بودن به پیشنهادها رأی بگیریم اول پیشنهاد آقای آقا شیخ یحیی قرائت و رأی میکنیم .  
 ( بقراسبق قرائت شد )  
**حاج عزالممالک** - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم چون یک تغییری هم خود بنده داده ام .  
**رئیس** - پیشنهاد آقای آقا شیخ یحیی را قبول میکنند ؟  
**حاج عزالممالک** - بلی .  
**رئیس** - پس رأی می گیریم در پیشنهاد های دیگر .  
**نجفقلی میرزا** - بنده هم پیشنهاد خودم را مسترد میدارم .  
**رئیس** - آقای زنجانی که پیشنهاد خودشانرا پس نمیگیرند رأی میکنیم در اصلاح آقای زنجانی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند ( عده قلیلی قیام نمودند )  
**رئیس** - قابل توجه نشد رأی میکنیم باده چهارم آقایانیکه ماده چهارم را بترتیبی که پیشنهاد شد تصویب میکنند قیام نمایند  
 ( اکثر نمایندگان قیام نمودند )  
**رئیس** - تصویب شد - ماده پنجم قرائت میشود .  
 ( بقراسبق قرائت شد )  
 ماده پنجم - برای اجرای مواد مذکور فوق وزیر مالیه کمیسیونی از اشخاص بصیر با اطلاع تشکیل داده نظامنامه که مستلزم حسن اداره و سهولت جریان امور مالیات دخانیات و مقرون بصرفه و صلاح مملکت و آسایش عامه است تهیه نموده و پس از تصویب کمیسیون ذواتین مالیه مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده خواهد شد .  
**رئیس** - در ماده پنجم مخالفی نیست ؟  
**حاج شیخ حبیب الله** - میفرمایند پس از تصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس بموقع اجرا گذارده خواهد شد مقصود از تشکیل مجلس آنست که قوانین موضوعه بنظر همه نمایندگان برسد و هر

کدام نقدیه اصلاحی مطلبی دارند بگویند تا بر همه واضح و مشکوف شود و رأی بدهند چیزیکه ما نمیدانیم چیست و در کمیسیون انظر دو نفر ما نفر میگردد و ما خبر نداریم چطور میتوانیم رأی بدهیم و بگوئیم رأی آن ها صحیح است در صورتیکه ما نمیدانیم چه رأی می دهند از حالا نمیتوانیم حکم بصحت آن رأی بدهیم باوجود اینکه می بینیم نوع این قوانین که بمجلس می آید همه از کمیسیون گذشته مهله باز در مجلس اینهمه صحبت و تنقید و قال و مقال دارد علیهذا نمیتوانیم در پیشی که نمیدانیم رأی بدهیم لذا اگر صلاح بداند آن نظامنامه از مجلس بگذرد تا ما هم نظریات خودمان را اظهار کنیم .  
**حاج عزالممالک** - خوبست آقا یک تفاوتی بین نظامات و قوانین بگذارند همینطور که ملاحظه میفرمایند مابین قانون اساسی و قوانین عادی فرقی هست یعنی همینطور که مجلس بطور عادی نمیتواند قوانین اساسی مملکتی را تغییر و تبدیل بدهد همینطور نظامنامه هم بعقیده شخص بنده یک چیزی نیست که مربوط بمجلس شورای ملی باشد مربوط بدولت است باید وزیر پیشنهاد کند شاه دستخط کند آن وقت به موقع اجراء گذارده شود منتهی بواسطه سختی که از طرف بعضی از آقایان نمایندگان شد اکثریت کمیسیون اینطور رأی داد که یک کمیسیون در خارج این نظامنامه را تهیه کند و اشخاص آن از اشخاص بصیر و با اطلاع باشند باز هم بکمیسیون مجلس شورای ملی بیاید چون یک سابقه هم داشت و قانون تشکیلات مالیه گذشت اینطور گذشت و البته در کمیسیون و در هیئت در آن نظامنامه نظر کنند اجرای آن سهل تر خواهد بود اساساً معلوم است که مجلس قانون وضع می کند میگوید باید مالیات گرفته شود مبلغ مالیات چه باشد اصل مالیات را معین میکنند بعد نظامات آنرا باید دولت بنویسد و اجرا کند اگر ما بخواهیم هر چیز را بفرودمان حق بدهیم و خودمانرا مشغول بکنیم و از برای هر کاری در مجلس نظامنامه بنویسیم گمان میکنم از کار های اصلی خودمان باز بنماییم و مجلس از تکالیف اولیه خودش بازماند  
**رئیس** - باوجود این مذاکرات بیش تر از این لازم است ؟  
**حاج شیخ حبیب الله** - اجازه میخواهم  
**رئیس** - نوبت بجناب عالی در دفعه پنجم میرسد کوبیا مذاکرات کافی است یک اصلاحی از طرف آقای ادب کبخیرو پیشنهاد شده است قرائت میشود و رأی میکنیم .  
 ( بضمون ذیل قرائت شد )  
 بنده پیشنهاد میکنم ماده پنجم قانون مالیات دخانیات این قسم نوشته شود برای اجرای مواد مذکور نظامنامه که مستلزم حسن اداره و سهولت جریان قانون مالیات دخانیات و مقرون بصرفه و صلاح مملکت و آسایش عامه باشد تهیه کرده پس از رساندن بصره همایونی بموقع اجرا بگذارند .  
**ارباب کبخیرو** - در همه قوانین که وضع میشود وقتیکه ماده آخری را مینویسند همیشه رسم است که باید ذکر کنند پس از صحنه همایونی بموقع

اجرا گذاشته خواهد شد و در اینجا هیچ ذکر نشده است و نوشته اند پس از گذشتن از کمیسیون قوانین مایه بموقع اجرا گذاشته میشود بملایم این مالیات که وضع میشود برای این است که عایدات زیاد شود و بنده نمیدانم این نظامنامه کی از کمیسیون خواهد گذشت تا آنوقت بموقع اجرا گذاشته شود نمیدانم آنوقت رای کمیسیون مجلس چه اثری خواهد داشت رای کمیسیون در صورتی منشاء اثر است که آنچه از کمیسیون ها میگذرد بمجلس بیاید وقتیکه بمجلس نیاید همان هیئت بعیر با اطلاعی را که خود وزارت مایه فراهم می آورد و نظر میکند کافی است در همانجا نظریات خودشانرا میکنند و بصره همایونی میرساند بعد بموقع اجرا گذاشته میشود.

**حاج عز الممالک** - بنده از اکثریت کمیسیون که این مطلب را تصویب کرده و برخلاف ترتیبات معموله پیشنهاد نکرده است دفاع میکنم اولاً همین که مجلس رأی داده که کمیسیون نظامنامه را تهیه و تصویب کند بعد بموقع اجرا گذاشته شود خود این مسئله بکمیسیون حق میدهد که این کار را بکند چنانچه در سایر قوانین نظیر آن دیده شده است که مجلس نسبت بمسئله بقرائین عدلیه و نظامنامه تشکیلات مایه همین طور رای داده است که پس از تصویب کمیسیون بموقع اجرا گذاشته شود و آنکه این قانون نیست نظامنامه است نظامنامه را وزیر امضاء میکند و معمول نیست که بصره شاه برسد قوانین را بمجلس تصویب میکند و بصره شاه میرساند نه نظامنامه را که بموقع برای مجلس نخواهد بود منتهی برای اینکه این نظامنامه تا یکسره چه نسبت بحال مردم سهل تر نوشته شود این بود که کمیسیون قائل شد يك هیئت با اطلاع در خارج بنویسند و کمیسیون قوانین مایه هم چون تا حال نظریات در این قانون داشته است آنرا تصویب کند حالا اگر اکثریت مجلس در این پیشنهاد رای بدهد بنده حرفی ندارم والا چون اکثریت کمیسیون قبول نکرده است بنده هم نمیتوانم قبول کنم

**ارباب کبک** - اینکه بنده نوشته بودم بصره همیونی برسد مقصود این بود که قانون بصره همیونی برسد و در اینجا در خود قانون هیچ این مسئله را ذکر نکرده است بملایم نظامنامه های اداری دو قسم است یکی نظامنامه ایست که برای کارهای داخلی اداره مینویسند در این قسم نظامنامه البته نظریات وزیر مایه مدخلیت دارد يك نظامنامه دیگر هست که باید مواد آنرا در مملکت اجراء کنند این قسم از آن نظامنامه ادلی تجاوز میکند و خیلی نظامنامه ها هست که برای اجرای قوانین در مملکت است این قسم نظامنامه ها بصره شاه هم میرسد و بملایم بنده عرض میکنم اشخاص بعیر با اطلاع منحصر بکمیسیون مجلس نیست وقتیکه بنده بمجلس تصویب کند که در خارج آن اشخاص در نظامنامه نظر کنند همان حکم را دارد

**رئیس** - پیشنهاد آقای ارباب کبک و بنده نیز قرائت میشود و در قابل توجه بودنش رای میگیریم (بمضمون ذیل قرائت شد)

**رئیس** - آقایانیکه این اصلاح را ابل فتوحه میدانند قیام نمایند

**رئیس** - قابل توجه نشد رای میگیریم بماده پنجم به ترتیبی که کمیسیون پیشنهاد کرده آقایانی که ماده پنجم را تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** تصویب نشده ماده دوم کرده بود بکمیسیون رفته بود اصلاح شده است قرائت میشود و بعد از آن رای میگیریم.

**ماده دوم** - مالیات دخانیات مذکور در ماده اول که از عوارض غیر مستقیم است از قرار صدی سی از قیمت دریافت خواهد شد در صورتیکه در تعیین قیمت تنباکو و توتون مابین مالیات بده و مأمورین مایه اختلافی حاصل شود صد سی از عین جنس دریافت خواهد شد.

**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - اولاً مقصود از تغییر مالیات بوارض نمیدانم چه بود با اینکه مراد از عوارض آن تحلیلات پارچه ایست است که بر رعیت وارد میشود نه این امر کلی مستمری دائمی و آنرا تغییر مالیات کردن آنست و اولی است از تغییر بوارض و این چیز است که مخالف است با آن جور مالیات و آن اساسی که ما در نظر داریم و دیگر اینکه همانطور که سابق عرض کردم این اندازه صد سی نسبت به متحملین مالیات خیلی زیاد و اجحافت.

**رئیس** - رای میگیریم بماده دوم - آقایانی که ماده دوم را بر ترتیبی که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند.

**عده کثیری قیام نمودند**

**رئیس** - تصویب شد - مذاکرات در کلیات است **حاج عز الممالک** - چون ماده پنجم رد شد برای نظامنامه باید یکماده پیشنهاد کرد و بالاخره باید يك ترتیبی اتخاذ نمود ممکن است در بقیه مذاکره شود و در موقع تنفس کمیسیون یکماده بجای ماده پنجم که رد شده بنویسند و بمجلس پیشنهاد شود.

**رئیس** - در کلیات مذاکره میشود ضمتاً میتوانید آن ماده را بنویسید پیشنهاد کنید بمدرای میگیریم.

**مدرس** - مذاکره در کلیات باید بعد از گذشتن تمام مواد باشد.

**رئیس** - اولاً آن ماده راجع به اساس قانون نیست و مجبور هستیم بنویسند بالین وصف میفرمائید بگذاریم بدانند.

**مدرس** - این برای بعد ها سابقه میشود و صحیح نیست.

**رئیس** - بسیار خوب میخواهید بدانند پس هفت هشت دقیقه تنفس داده میشود تا این ماده را حاضر کنید.

در این موقع تنفس شده و پس از بیست دقیقه مجدداً جلسه تشکیل گردید.

**رئیس** - ماده پنجم را کمیسیون نوشته است قرائت میشود اگر ایرادی نباشد رای میگیریم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

**ماده پنجم** - برای اجرای مواد مذکور فوق وزیر مایه کمیسیون از اشخاص بعیر با اطلاع تشکیل داده نظامنامه مستلزم حسن اداره و سهولت جریان امور مالیات دخانیات و آسایش عامه است تهیه

نموده پس از تصویب کمیسیون قوانین مایه مجلس شورای ملی و رسیدن بصره همیونی بموقع اجراء گذارده خواهد شد.

**سر دار معظم** - بنده تصور میکنم مداخلات کمیسیون قوانین مایه در نوشتن نظامنامه هایی که باید فرع يك اصولی باشد (که در قانون معین شده) صحیح نباشد اصول مطالب را قانون معین میکند و البته ارجحاری قانونی خودش که یکی از آنها کمیسیون مایه است میگذرد و بمجلس می آید لیکن فروغ آن با دولت است پس بعد از آنکه آن اصل معین شد آنوقت تکلیف دولت است که آن اصول را با اجرائیانش تطبیق کند و از این نقطه نظر مداخلات کمیسیون قوانین مایه قانون را تصحیح نخواهد کرد بعقیده بنده بهترین ترتیب همان پیشنهادی است که آقای ارباب کبک و سرور کرده بودند و بدبختانه از مجلس رد شد البته پس از آنکه قانون نوشته شد خود هیئت دولت یا هیئت دیگر که تعیین میکنند باید از برای نوشتن نظامنامه مأمور باشند و آن نظامنامه که حالت رکمان زنرال را دارد باید بصره همیونی برسد و بعد بموقع اجراء بیاید در هر صورت مداخلات کمیسیون قوانین مایه در اینجا صحیح نیست.

**حاج عز الممالک** - در این ماده که کمیسیون اخیراً پیشنهاد کرده آقایان ملاحظه میفرمائید که دو جنبه در آن ملاحظه شده دم آن نظریکه آقای ارباب کبک و سرور داشتند و هم نظر دیگر که کمیسیون در داشته است این بود که چون آن کمیسیونیکه در خارج یا وزارت مایه تشکیل میشود نسبت با اجرای این قانون عجله بی تجربه هستند و هر اندازه که در مواد نظامنامه مذاقه شود و در تحت مشاوره بیاید نسبت بعامه و اشخاصی که این مالیات را میدهند بهتر خواهد بود و بعد اشکالاتی از حیث جریان و اجرای این قانون پیش نخواهد آمد در اینصورت مقصود آقای ارباب کبک و سرور در اینجا ملاحظه شده است که بصره همیونی برسد چون نظر کمیسیون هم همین بوده است ولی در خصوص نظامنامه ما سابقه که در مجلس شورای ملی دارد و اغلب کمیسیونها این حق داده شده منافاتی نخواهد داشت که این نظامنامه از کمیسیون قوانین مایه بگذرد.

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست؟ - رای میگیریم بماده پنجم بر ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند.

**عده کثیری قیام نمودند**

**رئیس** - تصویب شد - مذاکرات در کلیات قانون است.

**حاج شیخ حبیب الله** - بنده دو پیشنهاد در جلسه سابق عرض کردم اکسر صلاح است قرائت شود.

**رئیس** - پیشنهادها رد شد.

**حاج شیخ حبیب الله** - خیر قرائت نشد.

**رئیس** - ارجاع شد بکمیسیون کمیسیون قبول نکرده است اگر میخواهد برای بگیریم دوباره بنویسد خوانده میشود رای میگیریم در کلیات مخالفی نیست؟

**ناصر الاسلام** - در موقعیکه در مواد مذاکره میشد بنده يك قسمت از نظریات خود را در مواد این قانون عرض کردم و چون بعد از این شور رای

گرفته میشود محض اسقاط تکلیف ناچارم نظریات خود را یکفردی بمسوط تر عرض کنم و آن این است که عمده اشکال بنده راجع بدم تعیین اداه کننده مالیات است والا اساساً با مالیات دخانیات هیچ مخالفت ندارم و لولاً اینکه عرض صد سی صدی چهارم و صدی پنجاه نوشته شود هیچ مخالفت نخواهم داشت چنانکه در کلیه مالیات غیر مستقیم بنده کمال مساعدت و موافقت را داشته ام اما در این مسئله که اداه کننده را تعیین نکرده اند بنده يك اثرات سوئی می بینم که مجبورم یکقسمت از آن اثرات را بنده عرض کنم بآن معلوماتی که بنده نسبت به توتون دارم این است که در مملکت گیلان که يك مملکتی است که توتون سیگار بیشتر بمحل می آید اگر آقایان بدانند طرز عمل آوردن توتون چه نحو مشکلات دارد و چه نحو زحماتی از برای رعیت حاصل می شود آنوقت راضی نخواهند بود که این قانون اینطور بگذرد و اداه کننده مالیات معین نباشد چندین ماه باید رعیت از برای حاصل آوردن این متاع زحمت بکشد آنهم يك زحماتی که نمی توانم جزئیاتش را عرض کنم همین قدر عرض می کنم که در تابستان مشروب کردن توتون سیگار با دست است آنهم در مواقع مرتفعه باید این توتون سیگار را حمل بیاورند باین زحمتی که رعیت می کشد اگر يك مختصر آفتی باین زراعت برسد بکلی بی فایده و بی حاصل می شود پس از اینکه از آن مراحل می گذرد آن محصول را با آن تقسیماتی که دارند تقسیم می کنند یعنی قرمز و سفید و سیاه بآن اصطلاحی که دارند بالاخره تا آنوقت که آنرا بار می بندند زحمتش حد و وصف ندارد بآن بیاناتی که آقایان اظهار کرده اند و عقیده افراد نمایندگان را دانسته ام که هیچ وقت معتقد نیستم این مالیات بر رعیت تحمیل شود و آقای مخبر هم در موقع دفاع تصدیق کرده اند که هیچ وقت نظر کمیسیون این نیست که این مالیات بر رعیت تحمیل شود و باین نظری که اتفاق نمایندگان در مجلس اظهار می کنند هیچ معتقد نیستم این قانون باهم بگذرد و دهنده این مالیات معین نباشد و بآن عقیده هم که آقای هاج شیخ حبیب الله اظهار کردند معتقد نیستم که نظامنامه را بیاورند بمجلس سزاوار نیست نظامنامه در مجلس بیاید و رای داده شود این را هم نمی توانم تصدیق کنم که يك قانونی بگذرد و اداه کننده آن مالیات معین نباشد این هیچ قابل تصدیق نیست پس مادامی که اداه کننده این مالیات معین نشود در عرض اینکه حسن استفاده بشود سوء استفاده می شود علی التحقیق عرض خواهم کرد که قسمت بزرگ توتون کاری گیلان بواسطه این آسیب که اداه کننده مالیات معین نیست ازین می رود و اگر دولت همانطور که منظور است عمل کند یعنی اداه کنندگان مالیات را رعیت ندانند آن حسن اثری را که باید برای قانون متوجه شود نخواهد شد یعنی ملت نمی داند که این مصوبه مجلس است یا غیر بنده متقدم که اگر همین قدر اداه کننده مالیات را معین کنیم یعنی در عرض آن کمیسیون که در وزارت مایه معین خواهد شد مجلس اداه کننده مالیات را معین کند رفع نقص این قانون خواهد شد و آن قسمت هم که آقای سردار معظم راجع بمعاقت مذاکره فرمودند بعقیده بنده اگر طریقه و طرز آنرا همانطور معین کنند این قانون يك قانون کاملی خواهد بود و از

برای دولت خیلی خیلی مفید خواهد بود.

**حاج عز الممالک** - چنانچه مکرر عرض شده است همه میدانند که که این قانون بطور کلی نوشته شده است و شامل جزئیات نیست دلیلش هم نداشتم و نمی توانستم جزئیات را پیش بینی کنم و اساساً هم باید گفت که در قانون بیشتر ازین نمیشود توضیح داد یعنی مجلس شورای ملی باید ببیند که صلاح هست مالیات وضع کند یا خیر؟ و این مالیاتی که وضع می کنند پیشرفت می کنند یا نه؟ بعد از آنکه اساساً تصدیق کرد مبلغ مالیاتی که باید گرفته شود در قانون تصریح میشود حالا دیگر جزئیات او مراتبی دارد که بعقیده کمیسیون در نظامنامه باید تصریح شود اینک آقا فرمودند که مجلس شورای ملی تصدیق کرد که بر رعیت تحمیل نشود بنده هم تصدیق دارم مخصوصاً در موقعی که کمیسیون راپورت دوم را تقدیم کرده است تصریح کرده است که از عوارض غیر مستقیم است و محققاً این مالیات بر ملک یعنی بر زراعت در سر محصول تحمیل نمیشود بعد از آنکه اساساً تصدیق شد که این از عوارض غیر مستقیم است تصریح شده است که این مالیات تحمیل نمیشود مگر بر مصرف کننده و البته آقایان میدانند هر چه دولت این مالیات را دیرتر ( یعنی در دستهای آخر بگیرد عایدات آن زیادتر خواهد بود یعنی اگر دولت این مالیات را سر محصول بگیرد معلوم است چون قیمت آن کمتر است عایدات آنهم نسبت باینکه از تاجر بزرگ یا دکان دارها بگیرد کمتر میشود پس هر اندازه این مالیات در موقعی که نزدیک بصره می شود گرفته شود محقق است عایدات دولت زیادتر میشود و این نکته هم در نظامنامه مطرح میشود ولی حالا چرا در قانون مالیات دهنده تعیین نمیشود با اینکه معین کرده ایم مستقیماً بر محصول و بر زراعت تحمیل نمیشود برای این است که در این موقع نمیتوانیم تعیین کنیم مالیات دهنده کیست مثلاً اگر گفته شود خریدار ممکن است فرضاً رعیت بگوید تنباکوی خود را نمی فروشم و در موقعی که خودش مصرف میکند از اداه مالیات امتناع کند اگر چه این مسئله هم جزئیست و بنده چندین اهمیت نمی دهم ولی میشود يك همچو ایرادی بکنند مثلاً اگر تصریح کنیم خریدار بدهد وقتی تاجری خواست توتون یا تنباکوی بخرد بموجب قانون مأمورین مایه حق خواهند داشت بلکه مجبور هستند در دست اول بعضی اینکه آن را خرید مطالبه مالیات بکنند در صورتی که بنده فکر می کنم ممکن است در نظامنامه پیش بینی شود و اجازه داده شود که اگر يك تاجری در موقعی که توتون یا تنباکورا از مالک یا زارع خرید در همان موقع مالیات خودش را ندهد چرا؟ برای اینکه ممکن است يك تاجری که يك مبلغی میدهد و توتونی میخرد شاید زیاد تر پول نداشته باشد که فوراً يك مالیاتی هم بدولت بدهد و آن تنباکوی را در انبار خود نگاهدارد در صورتی که در نظامنامه ممکن است ترتیبی داده شود که تاجر توتون و تنباکوی خود را حفظ کند و در موقعی که بصره میرساند در دست دوم و سوم که اشخاص کوچکتر می فروشند مالیات دریافت کند

یا اینکه در موقعی که زراعت که این توتون و تنباکوی میشود و میخواهند بنقطه دیگر حمل کنند مالیات را در نقطه اولی ندهند و جواز بگیرند در نقطه دیگری که بصره خواهد رسید آن مالیات را بپردازند در هر صورت اشکال مختلفه در پرداخت این مالیات پیش می آید که تمام آنها را نمیشود در این قانون پیش بینی کرد بنده تصدیق میکنم که این مسائل باید تصریح شود ولی چون در تحت يك ماده نمیشود تصریح کرد و باید چند ماده نوشته شود و اسباب سهولت تاجر و مالک و خریدار و فروشنده تمام اینها تهیه شود بنا بر این فعلاً رای میدهم چه مالیاتی وضع نشود و این مالیات هم صدی سی باشد آنوقت اجراء آنرا موکول میکنیم بآن نظامنامه که باید از کمیسیونهای متعدد و صحنه همایونی بگذرد و با تصدیق باین نظامنامه تمام این اشکالات رفع میشود و برعبرت و زارع هم تعدیلی نخواهد شد.

**رئیس** - آقای ملک الشیراز موافقت می کنید.

**ملک الشیراز** - بنده موافقت ولی دو نظریه دارم که با آن دو نظریه تقریباً مخالف.

**رئیس** - در کلیات موافقت یا مخالف؟

**ملک الشیراز** - در کلیات موافقت ولی دو نظریه دارم.

**رئیس** - آقای گروسی مخالفید؟

**حاج شیخ محمد حسن** - بلی بنده در شور اول عرض رساندم که با اساس این قانون مخالف نظر باینکه اساس وضع مالیات و قانون مالیات گذار را چه از جزئی و چه از غیر جزئی تصدیق دارند که مالیات باید از وجهه عایدی باشد نه از وجهه انتفاعی از وجهه عایدی دو قسمت پیدا میکند یکی مستقیم و یکی غیر مستقیم ولیکن وجهه عایدی باید در هر دو محفوظ باشد حتی در مالیات غیر مستقیم نه اینکه غیر مستقیم يك چیزی باشد که ضد و نقیض با این اساس باشد چه مالیات مستقیم و چه مالیات غیر مستقیم باید از وجهه عایدی باشد حالا در جهت جنسش بنده در مقام اگر نیستم معلوم است که مالیات مستغلات اعظم از این بود کلام دو این است که وقتی که ما این اساس را از دست دادیم دیگر کار بجائی میرسد که نظیر میشود و اساس برای قانون دیگری میشود بنابر این يك اساس هم این میشود که مالیات بر انتفاع است مثل اینکه از تنباکوی توتون نه از حیث اینکه توتون و تنباکوی عایدی آنها است مالیات میکنند بلکه از حیث این است که انتفاعشان از آن است پس اگر امروز مسامحه کنیم و این اساس را از دست بدهیم مثلاً بر میگردیم به انتفاع الی ماشاء الله یکدفعه گفته میشود فلان شخص که فلان عمارتش نزدیک کوچه است و چند پنجره دارد و استنشاق هوا میکند باید فلان مبلغ مالیات بدهد همه یا فشاری بنده بیشتر بواسطه این فقره است که اگر ما فتح این باب را بکنیم اساس مالیات گذاری را از روی انتفاع قرار بدهیم آنوقت بملاحظه حوائج مملکتی که میشود که در عرض سال ده جور و در عرض ده بیست سال چند جور مالیات وضع میشود لیکن ما اگر نقطه نظر را عایدی قرار دادیم اگر هزار جور عایدی پیش بیاید ضرر ندارد بجهت اینکه اشخاص ده رشته عایدی پیدا کرده از هر قسمتی از آن در رشته باید بدولت کمک

بکنند بخلاف اینکه ما اسرا را از روی انتقامات قرار بدهیم خیلی از انتقامات است که از عطایای الهیه است را بدو درقبال او آن شخص منتفع یک حب و دینار بل نمیکند و خودش مقدر نیست خیلی چیزها هست که غیر اختیاری است پس وقتیکه ما اسرا را انتفاع گرفتیم و گفتیم کسانیکه مصرف میکنند یعنی منتفع میشوند مالیات بدهند برای بعد نظیر میشود هر قانونیکه میآید گفته میشود در فلان نوع انتفاع چه ضرر دارد برای دولت مالیاتی وضع شود و این رفته رفته در عوض اینکه مملکت ما ترقی کند مملکت ما را نابود خواهد کرد لهذا پیش از این اجمال اسباب تصدیق میشود همین قدر عرض میکنم اگر چه امر این مالیات بمراتب اهون از قانون مستفادتست ولی در قانون مستفادت فقط بنده در فروعات نسبت به مستاجر گفتم که بعضی تکالیف به او مربوط نیست و الا در اساس هیچ مخالفتی نداشتم با اینکه این مالیات نسبت به آن خیلی اهونست اساساً عرض میکنم خیلی نا مناسب است بخصوص که باید مالیات را از وجهه عایدی وضع کرد و از وجهه عایدی هم دو قسم است مستقیم غیر مستقیم بطور شده است که ما اینجا اساس را با اینکه از امر قرار میدهم از بین میبریم خیلی عجیب است .

**ملك الشعراء** - بدیهی است که با اصل مالیات دخانیات نمیشود مخالفت کرد زیرا که يك سرچشمه عایدیت است ما چند سال است آرزو میکردیم این مالیات وضع شود و اشخاص هم که مخالفت میکنند دلیل و سندی در دست ندارند بنده با وجود اینکه کاملاً با این مالیات موافقم و جدی دارم در اینکه شاید بتوانم سایرین را هم که مخالفند موافق بکنم دو اشکال دارم که این هر دو اشکال در ضمن مذاکره این قانون مکرر گفته شده است ولی جوابهاییکه داده اند بنده را قانع نکرد یکی مسئله گرفتن اصل مالیات است و با اینکه در ماده دوم اصلاحاتی شده باز هم مفهومش یک قدری تاریک است و معلوم نیست که این مالیات در چه دست و درجه مورد گرفته و اخذ خواهد شد چنانچه مخبر کمیسیون تصدیق کردند هر چه این مالیات در دستهای آخر گرفته شود یعنی چه مالیات از تنباکو و توتون نزدیک با استعمال گرفته شود فائده اش از برای دولت بیشتر خواهد بود بنده هم روی این عقیده اظهار میکنم خوبست که يك توضیحی در این باب داده شود که ما مطمئن شویم که هم عایدی دولت زیاد تر خواهد بود و هم بر زارع تحمیل نخواهد شد زیرا این بدیهی است اگر این مسئله بحال ابهام باقی بماند ممکن است از برای تسهیل وصول این مالیات را بر گرداندند بدست اول و مستقیماً مأمورین وصول مالیات بروند سر زراعت و این مسئله راهم موضوع تحدید تریاک با نشان داد که باندازه مأمورین وصول مالیات احجاف کردند و باندازه بارین مالیات غیر مستقیم ( بشکل مستقیم درآمده بود) سنگین بود که خیلی از زراعتین و برزگران ترک کاشتن تریاک را کردند اینجا هم ممکن است در موقع وصول مالیات فشاری بر زراعتین بیاید و دو ضرر متوجه ما شود یکی اینکه مقداری عایدی ما بواسطه گرفتن در دست اول کم شود دیگر اینکه زراعتین خسته شده و اصلاً

این زراعت طرد و متروک شود لهذا عقیده بنده این است که در این ماده یا در نظامنامه که نوشته می شود توضیح داده شود و از اشکالات و زحماتی که در کار می آید بترسند و مالیات را بر توتون و تنباکوی ساخته شده ببنند یعنی آن دست آخر آن دستی که توتون تنباکو ساخته میشود و میخواهد از مغازه یا دکان یا تجارتخانه بیرون بیاید این مالیات را بگیرند یعنی بسته ها و تریباتی قرار بدهند پیچیده و نه پیچیده و تنباکوی کبسه کرده پاک کرده یا پاک نکرده يك قسم باندرلی قرار بدهد که هم عایدی دولت زیادتر باشد و هم بزراع تسهیل نشود و هم اینکه اساس داشته باشد و برای اشکال دوم آن پیشنهادیم که بنده میخواهم بکنم نتیجه بدهد یعنی اینجا هم مربوط شود این اشکال نداشته باشد و دولت در موقع نوشتن نظامنامه می تواند این ملاحظاتی را بکنند اما مسئله دوم که فوق العاده بنده اینجا معظم و اشکالات بزرگی که پیش چشم بنده می آید مسئله رقابت است چندین مرتبه این مسئله مذاکره ورد و بدل شده و مطبوعات هم در این موضوع نظریاتی داشته اند آنچه بنده تصور میکنم این است که در مقابل رقابت اکثر با بنده همراهند و آخرین جوابیکه در این موضوع از طرف وزیر مالیه داده شد این بود که ما برای اینکه مسئله رقابت پیش نیاید و قوت تجارت داخله در برابر قوت تجارت اجنبی بگامد مالیاتیکه ممکن بود صدی صدیا صدی پنجاه قرار بدهیم صدی سی معین کردیم و بالاخره فرمودند که با این مالیات قیمت امته داخلی با مال التجاره خارج برابرمیشود و تصور فرمودند که میشود با این مسئله قانع شد ولی بنده قانع نمیشوم زیرا امروزه که قیمت توتون و تنباکوی اجنبی فوق العاده گران تر از توتون داخلی است مملکت می بینیم که غیر از رشت و طهران از غالب نقاط شمالی و بلکه مرکزی ایران تجارت روسی شیوع دارد در خراسان مخصوصاً در سرحدات توتون رشت ابتدا وجود ندارد و در خود شهر مشهد هم کاملاً تجارت توتون خارجی با تجارت توتون داخلی برابری میکند دز صورتی که می بینیم توتون خارجه فوق العاده گران تر از توتون داخله است در اینصورت ما بطور می توانیم مطمئن شویم که این دو متاع وقتی قیمتشان متساوی شد آتوقت تجارت خارجه در خراسان و مازندران آذربایجان و کردستان حتی اصفهان و کرمان زیادتر بشود ؟ چه چیز میتواند ما را مطمئن کند که آتوقت تجار خارجه مایوس شوند و متاع خودشان را وارد مملکت ما نکنند و بر فرض که قیمت دو متاع متساوی شد تجار اجنبی بترسند اینکار را نکنند ؟ همه میدانند که دول برای پیش بردن تجارت خودشان بعضی اقدامات و فداکاریها میکنند و ممکن است بعضی کمک ها و مساعدتها به تجار خودشان بکنند چنانکه دیده ایم در مسئله قند و کبریت و بعضی چیزها با تجار معاونت میکنند و آن وقت قند در داخله ایران از خارجه گران تر است و بالاخره برای اینکه تجارتشان در يك مملکت دیگر پیش برود فداکاریها میکنند و ممکن است همان دولتی که توتونش داخل در ایران می شود يك فداکاری دو ساله بکند زیرا در توتون يك مزیتی هست که در سایر تجارتها نیست توتون خریداران خودش را معتاد میکند ممکن است دو سال با تجار

خودشان معاونت کنند و توتون خارجه ارزان تر از توتون داخله وارد ایران بشود وقتی که ارزان تر وارد شد اشخاصیکه به توتون رشت معتادند بزحمت هر چه تمامتر اعتیاد خودشان را ترك میکنند و توتون خارجه را میخرند بعد از دو سال معتاد میشوند آن وقت اگر دولت هم معاونت نکند و توتون خارجه با توتون داخله مساوی شود آن حالت اعتیاد گفته تجارت خارجی را سنگین میکند و بواسطه آن اعتیاد مردم دست از خریداری توتون خارجه بر نخواهند داشت و این باعث تقویت توتون خارجه میشود و بملاوه چون در مملکت ما اسباب حمل و نقل و سهولت حمل مال التجاره موجود نیست چنانچه الان عرض کردم در خراسان و در آذربایجان و کردستان و سایر نقاط دیگر اظهار عقیده کردم باز هم عقیده بنده همانست که عرض کرده ام تصور نمیکند این اظهارات آقای ملک الشعراء که خیلی خوب بیان فرمودند یک قدری معنایش بر توهمات است ایشان تصور کردند که توتون ساخته شده یا ساخته نشده يك تجارت خیلی بزرگ است که هر ساله يك مقدار گزافی وارد مملکت میشود در حالی که اینطور نیست و يك مقدار خیلی کمی است هم با تجار خواهد شد و آن وقت نه تنها وارد ایران میشود بلکه چون صرفه برایشان خواهد داشت تنباکو هم خواهند کاشت و خواهند دید از هندوستان و هرستان و قفقاز و ترکستان تنباکو وارد مملکت ما خواهد شد این است که بنده از این مسئله خیلی متعجبم و متعجبم از يك طرف می ترسم که تحمیل بر رها یا شود و زراعت توتون و تنباکو راترك کنند از این طرف می ترسم تجارت خارجی قوت پیدا کند و در ظرف دو سال یکدفعه ببینم که این تجارت مهم از ایران رفته است و متأسفانه مجبور شویم که در این مجلس یا چنین مجلسی این قانون را نسخ کنیم و يك شرمندگی از برای خودمان ذخیره کنیم این عقیده بنده است و چون بنده با اصل این قانون موافقم عقیده بنده اینست که دولت میتواند با دولتی که توتون از آنها وارد ایران میشود یکقراری بگذارد و این قرارداد ممکن است دو صورت داشته باشد یکی اینکه توتون و سیگار خارجه در داخله ایران همان حالت توتون داخله را داشته باشد و مالیات بدهند با اینکه بر تعرفه گمرکی یکچیزی بیفزایند و گمان میکنم از جریاناتیکه امروز بین دولت ایران و دول متجاهد است بقدری میتوانیم استفاده کنیم که آنها خیلی جزمیت اگر هیئت وزراء جدید بکنند میشود اصلاح کرد در هر صورت در اینموضوع نباید عجله کرد و باید دقت کرد بلکه بتواند در موضوع قراردادی بکنند که اقلاً در داخله بهمین موازنه که توتون داخله بمراتب از توتون خارجه ارزان تر است این موازنه بحال خودش بماند والا اگر ذره این موازنه تغییر بکند بنده بطور حتم بداند اینم زراعت و تجارت تنباکو بهم خواهد خورد .

**ملك الشعراء** - موافقم ولی این ...

**رئیس** - بی اجازه که نباید حرف بزنید عرض کردم موافق نبودید و باسم موافقت مخالفت کردید .  
**ملك الشعراء** - بسیار خوب بعد از این مواظبت خواهم کرد .  
**وزیر مالیه** - بنده تصور میکردم اولاً این ابهام مضر است که آقایان از آن می ترسند رفع شده است برای اینکه نوشته شده است این مالیات از هوارض غیر مستقیم خواهد بود و حالا برای اینکه بکنی رفع این ابهام بشود ممکن است بنویسیم که از زارع مستقیماً دریافت نخواهد شد اما در خصوص رقابت خارجی بنده در يك جلسه دیگر اظهار عقیده کردم باز هم عقیده بنده همانست که عرض کرده ام تصور نمیکند این اظهارات آقای ملک الشعراء که خیلی خوب بیان فرمودند یک قدری معنایش بر توهمات است ایشان تصور کردند که توتون ساخته شده یا ساخته نشده يك تجارت خیلی بزرگ است که هر ساله يك مقدار گزافی وارد مملکت میشود در حالی که اینطور نیست و يك مقدار خیلی کمی است شاید بعضی آقایان که در بعضی از بلاد سر حدی بوده اند و دیده اند سیگار های خارجی کشیده میشود تصور میکنند که خیلی خیلی زیاد وارد مملکت میشود و حال آنکه اینطور نیست و مقدارش خیلی کم است و شاید يك مقدار خیلی زیادش هم بترتیب قاچاق وارد میشود بنا بر این و بنا بر دقت هائی که شده است بنده تصور میکنم این مالیات صدی سی که وضع شده است يك چیز زیادی نیست و برای رقابت مال التجاره خارجی میدان باز نخواهد کرد این عقیده بنده بود که عرض کردم حالا بسته برای آقایان است .  
**حاج شیخ حبیب الله** بنده با اقل تکثیر عایدات هیچ مخالفتی ندارم بلکه کمال اشتیاق و آرزوی ما این است که دولت ما از همه دول معتبرتر باشد این مطلب مسلم است و لازمه ایراتیت است ولی هر مالیاتی که وضع میشود باید ملاحظه خصوصیات او را کرد این مالیات دخانیات که وضع شده است بنده از دو حیث با او مخالفم یکی از حیث اجمال و ابهامیکه در او هست چون باید موضوع و محمول قضیه معلوم و معین شود که چه وقت میگیرند و از کی میگیرند تا بدانیم برای بدهیم چون توتون و تنباکو که ما بر او مالیات میندیم یکدفعه این است که از زارع گرفته میشود و یکدفعه از فروشنده اگر بنا باشد از زارع گرفته شود ( ولو اینکه میفرمایند از زارع گرفته نمیشود) خودش يك ضررهائی دارد که بدولت وارد میشود زیرا از برای هر قریه باید يك مفتش بفرستند و يك قاچاق گیر بفرستند این خرجش بیش از عایدش خواهد شد اما اگر از فروشنده گرفته میشود چون معین نشده است بنده نمیتوانم چیزی عرض کنم مسئله ثاني مخالفت دارم بواسطه این است که نمیفهمم و نمیتوانم که آیا از برای اجرای قانون دخانیات اجرائی هم معین خواهد کرد یا با همان اجزاء ادارات سابقه تحدید این مسئله اداره خواهد شد اگر خرجی از از برای اونیکند خیلی خوب ما هم حرفی نداریم ولی اگر بنا باشد دولت از برای عمل دخانیات هم اجرائی معین کند ولو باختصار هم باشد بنده که پیش خودم حساب میکنم ببینم ضرر دولت بیش از دخلش

خواهد بود حالا از برای توضیح عرض میکنم که مثلا خراسان دولت در آن لایحه که تقدیم کرده است تنباکوی خراسان را صد هزار من معین فرموده اند از این صد هزار من چیزی که بدولت عاید میشود سی هزار من است و آنچه بنده اطلاع دارم قیمت تنباکوی خراسان آنجائی که بنده خبر دارم از توتون طیس و گون آباد و خاف و مشهد و غیره یکمن یکقران است مثل اینکه از برای خود بنده چهل من آورده اند و یکمن یکقران وارد شده است و چهار تومان پول آن را داده ام فرض میکنیم منی دوقران هم باشد ایالت خراسان بیست حا کم نشین دارد و هر حا کم نشین اقلاً سی یا پنجاه قصبه است آیا ممکن است دولت در تمام این نقاط اداره تشکیل بدهد که دارای چهار نفر مامور مفتش منشی و دفتر دار داشته باشد فرضاً که ما هر يك از اینها را هم ماهی ده تومان بدهیم آتوقت خرج دولت سالی ده هزار تومان میشود و عایدی دولت سه هزار تومان یا اگر تنباکویش را یکمن سه قران هم بفروشند نه هزار تومان میشود والا اگر مثل اینکه تنباکو فروشا میفروشند بفروشد منی یکقران دو قران عایدی دولت بیشتر نخواهد شد علی الحال بنده در خراسان که مبینم ضررش بیش از عایدش خواهد بود و شاید نباشد گمان دیگر هم که از مملکت خودشان خبر دارند همین طورها باشد در خراسان که اینطور است و بنده این را برآر نمیتوان بدهم .  
**رئیس** - آقایانیکه ایراد کرده اند گویا پیشنهادی داشته اند و نداده اند چند فقره دیگر پیشنهاد شده است اگر آقایان مخالف نباشند مذاکرات در کلیات قطع شود و پیشنهادها برود بکمیسیون و آن پیشنهاد های دیگر هم که میخواهند بدهند به بنده بدهند میفرستم بکمیسیون و رأی در کلیات بماند بجلسه آینده .  
**سر دار معظم** - بنده سئوالی دارم .  
**رئیس** - بفرمائید .  
**سر دار معظم** - در جلسه آینده باز مذاکرات در کلیات امتداد داده خواهد شد یا اینکه مذاکرات ختم شده است .  
**رئیس** - امتداد داده خواهد شد این را هم عرض میکنم که این قانون الان چهار ماه یا پنج ماه است که در کمیسیون است اگر آقایان پیشنهادی داشتند خوب بود زودتر میفرستادند حالا هم اگر پیشنهادی هست تا جلسه آینده بدهند که بکمیسیون فرستاده شود که دیگر بیش از این بتعمیق نینفتد - قانون تصریح بودجه ۳ ماهه آخر سال گذشته مجلس يك ماده است بعد از آنکه ما رای گرفتیم داخل قانون خالصات خواهم شد .  
ماده - مغارج سه ماهه مجلس شورای ملی از تاریخ اول جدی الی آخر حوت مارس ثبیل ۱۳۳۳ موافق ماده يك الی پنج ضمیمه (۱) بر طبق بودجه مصوبه مورخه يك شبه هشتم ربیع الاول مطابق ۴ دلو مارس ثبیل بمبلغ بیست و یک هزار و هشتصد و پانزده تومان و دوقران و پنجشاهی و عایدات مذکوره بمبلغ یکصد و بیست تومان و پنج هزار و چهار صد و پنجاه دینار تصویب و تفریح میشود .  
**رئیس** - بودجه است که سابق اعتبارش داده شد بعد از اینکه اداره مباشرت و جوهرش از وزارت

مالیه گرفته و خرج کرده است و آن بودجه را کمیسیون معاجلات رسیدگی کرده و تفریح کرده است و این قانونیست که به مجلس پیشنهاد کرده اید پنج ماه است بضمیمه نمره يك که ملاحظه میفرمائید طبع و توزیع هم شده است در این ماده کسی مخالف هست یا نیست  
**حاج سید رضا** - چیزی در این باب تا زگی داده شده است . . .  
**رئیس** - بلند تر بفرمائید و اگر پیشنهادی دارید پیشنهاد کنید .  
**حاج سید رضا** - عرض کردم تارگی از برای بودجه سه ماهه چیزی داده شده است یا همانست که در سابق داده شده بود ؟  
**رئیس** - همانست که سابق طبع و توزیع شده است - رای میگیریم باین ماده به همین ترتیب که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند .  
( عده کثیری قیام نمودند )  
**رئیس** - تصویب شد - مذاکره در قانون تبدیل مالیات خالصات انتقالی به مالیات اربابی است مذاکرات در کلیات است آقایان مخالفتی دارند ؟  
**سر دار معظم مخبر** - بهتر این است بفرمائید بگم تبه این مواد را بخوانند بعد مذاکره شود .  
**رئیس** - طبع و توزیع شده است مواد آنها که بعد خوانده میشود دیگر لازم نیست قرائت شود  
**حاج شیخ اسدالله** - عقیده بنده این است قانون گذار وقتی که میخواست يك قانونی وضع کند باید يك اصل را اتخاذ کند و بعد موادی را که در ضمن آن قانون وضع میکند تمام مربوط به آن اصل باشد خلاصه اینکه يك علت غائی در نظر داشته باشد که روابط این مواد با آن اصل محفوظ باشد در اینجا نظر مقنن و کمیسیون را بنده نمیتوانم بدهم بنده است در اینجا یکی از سه مطلب ممکن است ملاحظه شده باشد یکی اینکه يك عایدی از برای دولت پیش بینی شده باشد یکی اینکه آسایش آن اشخاص که دارای املاک خالصه هستند شده باشد یکی اینکه اختلافاتی که در بعضی مواقع ممکن است بین مالک و دولت حاصل شود رفع کرده بنده تصور میکنم از این سه شق نمیتواند خارج باشد یکی منافع دولت که باید در اینجا ملحوظ شده باشد و يك عایدی برای دولت پیش بینی شده باشد و یکی هم آسایش حال مردم که با مالکین باشد یکی هم اختلافاتی که مابین مالکین و دولت در مواقعی که ممکن است فراهم شود دیگر پیدا نشود یکی از این سه شق باید تصور شود این قانون را وضع کند بنابراین اگر از برای دولت يك عایدی در نظر دارید و نظرشان باین عایدات دولت است یعنی بوجهی از برای دولت پیش بینی شده است که دولت از این راه ممکن است بگم عایدی تحصیل کند بنده بر عکس تصور میکنم زیرا يك عایدی مرتبی از بابت مالیات خالصات فعلاً باید دولت میشود حالا اگر در بعضی از موارد مالکین اظهار میکنند این مالیاتیکه دولت با جمع بسته آتقدر عایدی ندارد ممکن است دولت در آنجا يك ممیزی بکند و در صورت صدق يك تخفیفی به آنها بدهد ولی اگر تصور شود که از این راه بتوان تروش يك وجهی عاید دولت میشود دولت باسرع وقت میتواند تهیه وجهی کند بنده مایوس هستم که عیال دولت بتواند از این راه يك وجهی تهیه کند

**ملك الشعراء** - موافقم ولی این ...

وولی بدستش بیاید پس بنده این مطلب بنظم نمیرسد و اگر این مطلب هم در نظرم باشد می بینم که این مواد با آن اصل که در نظر گرفته شده است خیلی منافات دارد بلکه در بعضی از مواد ملاحظه بمنافع مالک خلیه شده است پس اینرا در نظر ندارند اما اگر ملاحظه آسایش آن مالک را در نظر دارند و اینقانون را برای آسایش مالکین بمجلس پیشنهاد کردند بنده تصور میکنم که یک اشکال دیگری برای آنها تولید خواهد شد که هیچ اسباب آسایش آنها نمیشود بلکه اسباب زحمت میشود و بالاخره آن اشخاص مجبور میشوند که آن املاک را که دارند واگذار کنند پس این مطلب را هم نمیشود در نظر گرفت چون بنده وقتی که این قانون را مرور میکنم بنظم خیلی مشکل میآید اما حالا آقای مغیر شاید توضیح بدهند و رفع اشکال بنده بشود اگر در نظر گرفته باشند که اختلافاتی که بین مالک و دولت همیشه در سر این مالیات بود آن اختلافات با وضع این قانون رفع میشود این را هم بنده هیچ نمی بینم که رفع اختلافات بشود و بعد از آنکه این قانون وضع شود اول شروع باختلافات است که قبلاً بهیچ وجه آن اختلافات نبوده این اختلافات هم در خصوص اجرای این قانون میشود و در خصوص تقویم میشود در خصوص تعیین قیمت جنس و آن عایدی که بعنوان مالیات بدولت میدهند میشود و برای اینکه بعضی از مالکین که خالصه خریدند بغیال اینکه عایدی آنها مطابق با آن جریمی که بسته اند نیست رعایت هم کرده اند و در بعضی از دولت گرفته اند و حالا این قانون آنرا نقض میکنند بنا بر این یک اختلافاتی بین مالک و دولت فراهم خواهد شد و نمیدانم آن اصلی را که در نظر گرفته اند و این قانون را پیشنهاد کرده اند چه بوده است این را بشنایند بعد اگر در ضمن مواد عرایضی داشته باشم عرض خواهم کرد .

**مخبر** - بنده برخلاف عقیده آقای حاج شیخ اسد الله که میفرمایند تولید اشکال و اختلاف مابین مالک و دولت خواهد شد تصور میکنم برعکس باشد و این قانون بالاخره آن اختلافات را که از قوی ثیل هزار و سیصد و بیست و چهار مابین دولت و مالکین پیدا شده است رفع کند در موقع پیشنهاد کردن این لایحه قانونی سه نظر بوده است و این سه نظر هم بعقیده بنده خیلی اهمیت و خیلی جالب دقت است چنانچه عرض کردم و البته آقای حاج شیخ اسد الله هم خوب مسبوق هستند در قوی ثیل ۱۳۲۴ تخفیفات و تعمیرات املاک خالصه بر حسب حکم مجلس اول بر کشت کرده است و معلوم است در ضمن آن حکم کلی یک عده مالکین خالصه بوده و هستند که استطاعت تأدیه آن منال دیوانی ملک خودشان را بدون تخفیف یا تعمیر نداشته اند و از آن سال تا بحال مالکین و دولت کشمکش بوده و دولت هم مطابق همان مالیات که در فرمان مصرح بوده است بر حسب تصمیم مجلس اول همین منال دیوانی را تقاضا میکرد و مالکین هم معلوم است بواسطه اینکه چیزی نداشته اند نمی دانند تا اینکه در پیرارسال یک تصمیم دیگری شد که نصف بگیرند و در ضمن عمل دیده شده که آن تصمیم دولت چندان منافع دولت را تامین نمیکرد شاید برای مالکین خیلی خوب باشد ولی منافع دولت را تامین نمیکند این است که این قانون پیشنهاد

شده است پس نظر اول در وضع اینقانون بالاخره اتخاذ وسائلی است برای رفع اختلافات مابین مالکین و دولت و معلوم است خود این مناقشه که مابین دولت و مالکین حاصل شده یک خستگی دارد و دولت حقاً برای جلب منافع خودش از این مسئله استفاده کرده و میخواهد از این راه تهیه پولی بنماید و البته کسانی که چندین سال گرفتار زحمت ملک خودشان بوده اند و هر سال مجبور بوده اند که زحمت زیاد را بکنند (این نکته هم در نظر آقای حاج شیخ اسد الله باشد که نتیجه آن زحمت همیشه ضرر دولت و بالاخره موقوفه مالک بوده) بنا بر این مالک برای اینکه از این زحمت سالانه خلاص شود طبعاً و قهراً حاضر خواهد شد که پولی بدولت بدهد و آن تفاوت را بخورد و در آن سه ساله هم مسلک خودش معتبر باشد و هم از شر زحمت سه ساله خلاص شود پس از این حسن مالک دولت خواسته است استفاده بکند و یک پولی تحصیل کند و برای جلب منافع و عایداتی که امروز دولت نهایت احتیاج را بآن دارد بنده تصور میکنم استفاده بسیار مشروع و بقاعده است یک جهت دیگری که باعث پیشنهاد کردن این قانون شده است یکدست کردن مالیات است و حتی الامکان اگر ما بصورت مالیات مملکت خودمان نگاه کنیم خواهیم دید هیچ اصل معینی نداریم در بعضی جاها می بینیم یک عشر از محصول را میگیریم در بعضی جاها می بینیم نصف می گیریم در بعضی جاها تمام محصول را می گیریم و در بعضی جاها دیگر هم یک چیزی علاوه از محصول می گیریم بنا بر این لازم است باین ترتیبی مالیاتهم ساخته داده شود حالا بجهت ترتیب می شود باین ترتیب خانه داده شود؟ البته برای اینکه یک همه وسائلی لازم است این سه نقطه نظری بوده که باعث پیشنهاد شدن این قانون شده حالا فرض میکنم در کلیاتش همین اندازه شور کافی باشد وقتی که داخل در مواد شدیم خواهیم دید که صرفه دولت در این قانون منظور شده است یا صرفه مالک؟ اگر دقت کنیم البته مطمئن از املاک تصدیق خواهند فرمود که صرفه هر دو طرف منظور شده است این نکته هم نباید فراموش کرد که این قانون اجباری نیست قانون اختیاری و برای کسانی که خودشان مایل باین معامله باشند و از این قانون کسی را مکلف نخواهد کرد وقتی که اینقانون اختیاری شد آنوقت فروشنده از یکطرف باید منافع خودش را منظور کند و از یک طرف باید کلمه وسائل تشویقاً فراهم بکند و الا بالنتیجه تماماً از یکطرف رهایت شود بعد از گذشتن آن قانون از مجلس خواهیم دید که ابدأ بموقع اجرا نمی آید بجهت اینکه باید شرایط خیلی سختی هیچ کس حاضر نخواهد شد معامله بکند لهذا از طرف دولت کمیسیون سفی شده است که منفعت خرنده و فروشنده هر دو منظور شود اما منفعت فروشنده که دولت باشد کاملاً منظور شده است و آن این است که مدرک قرارداد شده است و آن مدرک هم فراموش و منال دیوانی که اغلب از آن منال دیوانی شاکمی هستند نمی توانند اداء نمایند ما آنها را در ماده اول و دوم مجبور میکنیم که مطابق مدرک که همان فرمان دیوانی باشد خریداری نمایند و در یک ماده دیگر هم تقویم آن یعنی همان تقویمی که در املاک بسیار معتبر و اربابی منظور و معامله می شود در نظر است چون امروز هر کسی بخواهد یک ملکی بخرد

هر قدر هم مرغوب باشد از ده يك زيادتر نيست پس وقتي كه معين كرديم ده يك خريد و فروش شود منفعت دولت هم تأمين شده است كه يك استثناييرا قائل شده ايم كه در املاكي كه مغرور به هستند و عايدی واقع آن برای تأديه منال ديوانی كفايت نمی كند برای آنها هم راه حلی پيدا كرده ايم كه آنها هم صرفه دولت را كاملاً تأمين می كند و برای تشويق خريدار هم يك ترتيبات و وسائلی اتخاذ شده است كه بعد در ضمن شور مواد ممكن است كاملاً شرح داده شود پس وقتي كه ملاحظه كنيم می بينيم علاوه بر اينكه اين لايحه ضرر ندارد يك منافع خوبی را هم در آيه ما نشان میدهد و رفع اختلافات چندین ساله مالکین و دولت را هم میکند و بواسطه اختلافات چندین ساله كه مابین مالکین و دولت هست دولت استفاده کرده و يك پولی بطور قطع عايد دولت میشود و علاوه يك قدمی برداشته میشود برای يكدست كردن مالیاتها و آنوقت در ضمن اين سه مقصود هم منافع دولت تأمين شده است و هم تشویقی از آن کسانی که میخواهند بطور آزادانه بخردند فراهم شده است و هم عايدی بدولت رسیده مالیاتها هم يكدست میشود.

**حاج سيد رضا** - عقیده بنده این است که این کار هیچ نتيجۀ نخواهد داشت و چندین قطعه از املاک مالیشان تبديل به نقد خواهد شد و ما بقی بهمان ترتيب كه هست خواهد ماند و آن وجهش هم معلوم نيست چه خواهد شد بنده باینجهت باينقانون هیچ عقیده ندارم .

**رئيس** - دلالتش را هم خوب بود میفرمودید **حاج سيد رضا** - همان بود که عرض کردم . **مخبر** - خواهش میکنم آقا باده شش مراجعه فرمایند و اگر مراجعه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که آنطوریکه میفرمایند نخواهد شد . **رئيس** - دیگر مخالفی نیست رای میگیریم به اینکه داخل در شور مواد بشویم یا نه آقابانی که موافقت در شور مواد داخل بشویم قیام نمایند (هده کثیری قیام کردند)

**رئيس** - تصویب شد - ماده (۱) قرائت می شود .

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده (۱) صاحبان املاک خالصه انتقالی میتوانند نه عشر منال دیوانی خالصات متصرفی خود از دولت خریداری نموده و يك عشر باقی مانده را به عنوان مالیات اربابی تأديه نمایند .

**حاج شيخ اسد الله** - در این ماده بنویسد يك عشر از منال دیوانی را بعنوان مالیات باقی میگذارند و نه عشر آنرا دولت بدالك میفروشد منال دیوانی خالصات مختلف است بعضی خالصات هست که این اواخر عایدی آنها بقدر منال دیوانیشان نبوده و صاحبان آنها شکایت کرده اند و هیئت وزراء هم تصمیم کرده اند که نصف عایدی خالصات را بعنوان مالیات از آنها بگیرند بعضی خالصات هست که چهار عشر و بعضی پنج عشر و بعضی شش عشر باختلاف از عایدی آنها گرفته میشود و در اینجا یکمشر از منال دیوانی را برای مالیات باقی میگذارند و باقی آنرا میفروشد نمایند نظر کمیسیون چه بوده است؟

آیا نظرش این بوده است که این مالیات را در کلیه مستغلات نیم عشر یا ربع عشریکه برای اینکه بنظر که نوشته شده بالنتیجه همینطور میشود مثلاً اگر بنا باشد مالیات خالصات امروزه نصف معمول باشد و یکمشر را بر اربابان مالیات گذاشته اند و باقی آنرا گذاشته عشر از نصف باشد میفروشد خوب وقتی که بنادش آن نظر را آنرا که آقای سردار معظم فرمودند داشته باشند با مال مالیات مستغلات تمام يك منوال و يك رويه باشد اقلاً باید يك عشر از عایدی آن مستغلات را برای دولت بعنوان مالیات باقی بگذارند و باقی را بفروشد ولی در اینجا يك عشر از منال دیوانی را که امروز دارد میدهند بعنوان مالیات باقی میگذارند و باقی آنرا میفروشد و این مطلب با آن نظری که فرمودند مخالفت دارد بنا بر این خوب بود در اینجا بنویسند يك عشر از عایدی خالصات را بعنوان مالیات باقی میگذارند و بقیه از منال دیوانی هر چه بمیان میفروشند نه اینکه يك عشر از منال دیوانی را باقی بگذارند و ما بقی را هر چه میماند بفروشد و اونیم عشری را باقی بماند این ترتیب با آن نظری که آقای سردار معظم فرمودند هیچ مطابقت ندارد

**مخبر** - اولاً برای اطلاع آقا باید عرض کنم که قانون مستغلات مدتست از مجلس گذشته است و اینقانون راجع است بتبديل مالیات خالصات انتقالی بدالیات اربابی پس از مالیات مستغلات حرفی نیزم اما اینکه فرمودند در سنوات اخیر بعضی تصمیمات راجع بعضی از املاک خالصه از قبیل دادن نصف عایدی شده بود معلوم است این تصمیمات موقتی بوده است و بعد از گذشتن این قانون طبعاً آنها نسخ خواهد شد و این تصمیمی هم که راجع بنصف فرموده اند از او ثیل بوده و راجع بتمام خالصات هم نبود راجع بيكسوم از خالصات بود و آنرا هم دولت خودش نسخ کرده است زیرا که در عمل دیدند آن تصمیم سبب صرفه دولت نیست و قابله مقام آن تصمیم بالاخره اینقانونی است که پیشنهاد شده است اما راجع باصل مالیات دیوانی آقای حاج شيخ اسد الله اگر در اصل منال دیوانی و ترتیب برقراری آنها دقت میفرمودند این فرمایش را نمیفرمودند در موقتی که دولت يك خالصه داشت و يك منالی همه ساله عایدش میشد اغلب در مقابل عایدات دولت که روی کاغذ بوده و مبیایستی بدولت برسد آن کسیکه مأمور جمع آوری آن عایدات بود برای دولت خرج تراشی میکرد و بالنتیجه چیزی عاید دولت نمیشد تا اینکه دولت تصمیم گرفت خالصات خودش را بفروشد بعقیده بنده این یکی از تصمیمات خوبی بود بجهت اینکه دولت در واقع يك مستأجرین دائمی برای خودش تهیه کرد و املاکی را که داشت فروخت و بعنوان مالیات آنها را وادار کرد منال دیوانی را بدهند حالا کم یا زیاد کار نداریم و کی برد و خورد آنرا هم کار نداریم علاوه آن عایدات که همیشه متزلزل بود و ممکن بود برای آن خرج تراشی ها بشود آنها را ثابت و محکم کرد علاوه يك پولی هم برای آن عایدات گرفت معلوم است که هر قاعده کلی يك استثنايی دارد البته بعضی از املاک خالصه هست که خیلی مرغوب و خیلی خوب بود و منال دیوانی

آن خیلی زیاد نبود بلکه خیلی کم بود و بقیه کم برده شد ولی معلوم است این استثنايی آن قاعده کلی اساسی را نمیتواند بهم بزند پس وقتیکه در این ماده دو میخوانند تعریف از منال دیوانی بکنند میگویند آن عایدی است که همه ساله دولت از املاک خودش میبرد و در فرمانهم قید شده منتها در بعضی جاها عایدش کم بوده بعضی که خریده بودند وقتی خواستند داخل در عملیات شوند دیدند که خير حقیقتاً عایدات آن ملک كفايت از برای تأديه منال دیوانی نمیکند و آنوقت متدرجاً قوانین واحکامی صادر کردند و دستور اعمالها و تحقیقاتی گرفتند ( این را باید عرض کنیم که این تحقیقات و این تعمیرات کتاچه هم برگشته است و هیچ داخل در عمل نیست) پس آن شقی را که فرمودند نیم عشر مالیات میدهند هیچ وارد نیست و این طور نیست حالا بنظر بنده دوشق ممكن بود اینجا نوشته شود یکی همین ترتیبی که کمیسیون نوشته است که عشر منال دیوانی بعنوان مالیات باقی و بر قرار شود و نه عشر فروخته شود یکی همین طور که آقای حاج شيخ اسد الله فرمودند عوض منال دیوانی عایدی واقعی سنجیده شود تا وقتی که در این مسئله دقت کردیم دیدیم شق ثانی اسباب ضرر خواهد بود بجهت این که يك قسمت از خالصات هستند که عایدات واقعی آنها کمتر از منال دیوانی است و علاوه بيكدمت میدیدیم وقت لازم دارد و مقاصد دولت را که بفوریت پيدا كردن يك پولی است از میان میبرد و ضرر مالی دولت هم این است که بعد از این که ما معقد به برقرار كردن عشر عایدات بعنوان مالیات شدیم در ممیزی ها و تعدیلهای آتیه مشکل است ولی اگر حالا عشر منال دیوانی را بعنوان مالیات بر قرار کنیم آنوقت در ضمن ممیزی های آتیه حق تجدید نظر و حق اضافه كردن عایدات را خواهیم داشت اما اگر میخواستیم این نظر را پيدا كنيم و بالاخره کاری بکنیم که عشر عایدات واقعی را بعنوان مالیات معین کنیم اسباب اتلاف بود در صورتی که در دست طرف مقابل فرامین حاضر است آن فرامین را بر میدارند منال دیوانی را می بینند و يك عشر را بعنوان مالیات می گذارند و نه عشر را دولت حق پيدا میکند که مالکین بفروشد و بعقیده کمیسیون این شق بهتر است و آن نظری را که آقای حاج شيخ اسد الله فرمودند که يك عشر عایدی بعنوان مالیات بر قرار شود فعلاً مقتضی نمیدانم .

**سردار سعید** - یکی از مزایای که در این قانون بود که بمجلس پیشنهاد شده تصور میرفت این بود که کلیه مالیات های املاک مردم بطور تساوی بشود یعنی هر کس بداند الا کلیه محصول خودش چقدر باید بدولت بدهد و مثل حالا نباشد که هر خالصه اربابی يك صورتی داشته باشد و در ماده اول که مینویسد نه عشر منال دیوانی را دولت میفروشد بکلی فاقد آن نظر است بجهت اینکه همانطور که آقای حاج شيخ اسد الله اظهار کردند بنده هم تصور میکنم اگر باقی فروخته شود باید از کلیه عایدی اربابی که ثلث است ( چون رعیت املاک خالصه سه کوث میدهند) و ثلث عاید مالک میشود باید از کلیه آن يك عشر از برای مالیات بگذارند و نه عشر که باقی میماند و اینکه آقای مغیر میفرمودند بعضی خالصات هستند

که عایدشان کمتر از منال دیوانی است بنده تصور میکنم کسانی که خودشان را مالک آن خالصه میدانند بعد از گذشتن اینقانون آن املاک را رها خواهند کرد و ابدأ در صدد خریداری این مالیات برنمایند کسیکه مالیات میخرد برای این است که محصولش برادر و اگر بآن اندازه نداشته باشد البته حاضر نخواهد شد .

**حاج عز الهمالك** - اینجا آقای حاج شيخ اسد الله يك اشتباهی فرموده اند و حالا هم آقای سردار سعید راجع بخالصه جاتیکه عایدی آنها بقدر مالیاتش نیست اظهار می فرمودند این مسئله در ماده چهارم پیش بی می شده است و البته مراجعه خواهند فرمود نسبت بخالصاتی که عایدی آنها زیادتر از مالیاتش نیست یعنی عایداتش برای مالیاتش کافی نیست پیش بینی شده است اما نسبت بخود اینماده اینکه کمیسیون نوشته است نه عشر منال دیوانی را مالک بخرد برای این است که بواسطه این قانون رفع اختلافات شده باشد حالا تازه ما میخواهیم يك اشکالاتی برای وزارت مالیه تولید کنیم و مالک دولت را داخل در یک عملیات جدیدی بکنیم آقایان مسبوق هستند که در سه قوی ثیل مجلس شورایی تخفیفات وارد کرد بعضی ها بعنوان مختلفه مستمسک شدند و آن اضافات اندادند و دولت تصمیمی کرده هیئت دولت حاضر آن تصمیم را مطابق صرفه دولت ندید و آنرا نقض کرد حالا باید يك فکری برای وزارت مالیه بکنیم عایدات خالصات انتقالی از بین نرود برای آنکه اختلافاتی بین مالکین دولت و امنا مالیه هست و شاید امنا مالیه عایدات آنها را در تحت نظر خودشان گرفته اند و رفع این اختلافات هر چه طول بکشد اسباب زحمت خواهد شد اما چرا عشر منال دیوانی را نوشتیم برای اینکه اجرای این قانون موکول بيك ترتیبات و ممیزی جدیدی نشود زیرا اگر ما در این تفاوت مابین ممیزی و مالیات را ملاحظه می کردیم وزارت مالیه ناچار بود يك ممیزی در خالصات انتقالی بکند و هر جا پدید می آید کند آنوقت مالک آن تقاضا را بخرد این مسئله محقق است که امروز برای دولت مقدر نمیشود که فوراً شروع کند بممیزی و تقاضا را معین کند بنا بر این برای رفع اختلافات ما فکر کردیم و دیدیم يك عشر آن مالیات را که در حقیقت باز عشر عایدی میشود معین کنیم بهتر است برای اینکه این همان عایدی است که بدولت میرسید و باید تصدیق کرد که حالا عایدی واقعی موفق شود و برای اینکه رفع اختلافات مابین دولت و مالکین بشود اسهل طرق این است که عشر منال دیوانی را بعنوان مالیات بدهد و نه عشر را بخرد علاوه این مسئله هم مانع ممیزی کل نخواهد شد در وقتیکه دولت بخواهد ممیزی کل بکند البته اینها هم جزء همان املاک ممیزی خواهد شد پس امروز عشر منال دیوانی را دولت میفروشد و باز مختار خواهد بود که دو باره ممیزی بکند و عشر عایدی را بگیرد در خصوص عشر عایدی هم که آقای سردار سعید فرمودند باید عرض کنیم که هنوز اختلافات هست متلاعقده بنده این است که مالیات عبارت از عشر عایدی مالک است نه عشر عایدات کل آن ملک

**رئيس** - مذاکرات در ماده اول کافی نیست ؟ (گفته شد رای گرفته شود)

**رئيس** - رای میگیریم که مذاکرات در ماده

کافست یا خیر؟ آیا اینکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند .

(هده کثیر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد که مذاکرات کافست ماده دوم قرائت میشود .

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده (۲) - مقصود از منال دیوانی میزان مالیات معین در فرمان انتقالی است بملاوه اضافاتی که تا قوی بیل ۱۳۲۴ بتدریج بر آن افزوده شده ( مگر ) اضافاتی که در فرمان انتقالیه عدم اخذ آن بصرح است .

**سر دار سعید** - بنده این لفظ (بک) کدر این نسخه چایی نوشته شده نیغوم .

**مخیر** - اشتباه شده است ( بک ) نیست ( مگر ) است .

**رئیس** - در ماده دوم مخالفی هست ؟

**حاج شیخ اسدالله** - این ماده بیک اندازه راجع باده اول میشود - قبلا عرض میکنم اگر در ضمن مذاکرات اشتباه لفظی بشود نباید مورد تنقید شود اصل مطلب را باید جواب دادنه اشتباه لفظی را . . . . .

**رئیس** - اینکه میفرمایند راجع بماده دوم نیست .

**حاج شیخ اسدالله** - چون برایش بنده تنقید کردند لازم بود توضیحی عرض کنم در این ماده منال دیوانی را معین میکنند مینوسد که مراد از منال دیوانی همان است که در فرمان هایونی در موقع خریداری خالصجات بر آن خالصه تحمیل شده در حالتیکه منال دیوانی که بر آن خالصه تحمیل شده است تمام عایدی نیست و اگر تمام عایدی باشد راجع بماده چهارم میشود که آقای حاج عزالمالک فرمودند که اگر هر آینه تمام عایدی او کمتر از منال دیوانی باشد تکلیف همان است که در آن ماده معین میکنند در اینجا مقصودشان از منال دیوانی آن منالی است که باندازه عایدی نباشد یعنی از عایدی ملک کمتر باشد هر وقت که منال دیوانی از میزان عایدی کمتر شد آن وقت نه عشر آنرا دولت میفروشد هیچ صورت نمیکند که املاک خالصه مالیاتش کمتر از مالیات او بایی بشود که پنج بک مشریا ربع عشر یا نلک عشر شود یا اینکه باید اقلا مثل املاک اربایی گرفته شود .

**رئیس** - این مذاکرات راجع بماده اول است .

**حاج شیخ اسدالله** - راجع بهمین است که منال دیوانی را معین میکنند .

**مخیر** - همینطور است که آقای رئیس فرمودند البته ممکن است بک کسی در بک ماده مخالف یا موافق باشد ولی در سایر مواد نباید مخالفت خود را نسبت به آن ماده اظهار کند باید به بینیم این ماده مربوط به چیست ؟ مقصود از این ماده تعریفی است برای منال دیوانی اینکه میگویند بک عشر کم است یا زیاد است این مربوط به این ماده نیست منال دیوانی بک میزان معینی است که فروشنده در آن زمان ملک خودش را فروخته است و گفته است باین شرط میفروشم که این مقدار را در هر سال بدهی اسم این منال دیوانی است و این ماده فقط راجع باو است بملاوه پس از آنکه بعضی خالصجات فروخته شده است متدرجاً همینطور که بر سایر مالیاتها افزوده شده است به آن منال دیوانی ( یعنی بآن عایدی دولت ) هم چیزی افزوده شده است و اینهم همومبت ندارد و در همه جا نیست در

بعضی جاها است پس ماده دوم تعریف میکند که منال دیوانی چه چیزی است میگوید آن چیزی است که در فرمان معین شده است بملاوه آن اضافاتی که متدرجاً اضافه شده است مگر بعضی چیزها که عدم اخذ آن در فرمان مصرح است بنا بر این دیگر عشر کم است یا زیاد است مربوط به این ماده نیست اگر آقا تعریف دیگری برای منال دیوانی قائل هستند و میگویند منال دیوانی این نیست که در فرمان دولت معین شده است آنرا بفرمایند و الا عشر کم است یا زیاد است مربوط به اینجا نیست .

**آقا میرزا هاشم** - بنده فقط میخواستم بک سؤالی از آقای مخیر بکنم آیا در خصوص خالصجاتیکه آنها را مالکین اول بدیگری انتقال داده اند و بک پول گزافی گرفته تکلیف چیست ؟

**رئیس** - این سؤال راجع بماده دوم نیست در ماده دیگر سؤالتان را بفرمایند جواب میدهند در ماده دوم دیگر مخالفی هست یا خیر ؟

**ناصر الاسلام** - بنده توضیح میخوام در ماده دوم در ضمن تعریف منال می گوید که ( مقصود از منال دیوانی میزان مالیات معین در فرمان انتقالی است بملاوه اضافاتی که الی آخر ) اینماده را میخواستم از آقای مخیر توضیح بخوام چون آن مالیاتهاییکه در فرمان انتقالی معین شده است بر حسب اطلاعاتیکه داریم چندین قسم است بک قسمش تسعیر شده است و جنس بصورت نقدی شده است و در فرمان آن مبلغ نوشته شده است یعنی بک ملک خالصه بنده از دولت خریداری کرده ام بهزار تومان و حقیقه این هزار تومان در عوض هزار خروار غله بوده است که امروز بشکل هزار تومان است ایبا وزارت مالیه که امروز این قانون را تصویب میکند و میزان مصرفه در فرمان را منط قرار میدهد آیا همان مالیاتی را که در فرمان معین شده است تعیین میکنند یا تعقیب میکنند واصل معامله را میزان قرار خواهند داد این را خواستم توضیح بدهند .

**مخیر** بلی معلوم است سندی که در دست مالکین است فرمان و شرایط آن فرمان انتقالی باید معمول باشد و هر شرطیکه در آن فرمان انتقالی مصرح است از همان قرار رفتار میکنند اگر بخوایم اصل معامله را تعقیب کنیم بک اشتباهی خیلی خیلی قابلی خواهیم دید والا در اکثر قوانین انتقالیه همان نقدو جنس که عاید دولت میشده است همانرا بعنوان منال دیوانی فروخته اند منتها بعدها بعضی مالکین احکام یا قوانینی که بعنوان تخفیف یا تسعیر صادر کرده اند و در جزء دستور عملهای سنواتی از منال مصرحه در فرمان تخفیف گرفته اند این قبیل اسناد اخیره البته بر میگردد و بالاخره حجت قطعی و سندی که از برای طرفین معتبر است همان فرمان انتقالی است هر چه در فرمان معین شده همان را بملاوه اضافاتی که متدرجاً تا قوی بیل ۱۳۲۴ افزوده شده است مدرک قرار میدهم اما چرا تا قوی بیل ۱۳۲۴ معین کردیم برای این که بعد از این تاریخ را مطمئن نبودیم که در بعضی جاها اساس محکمی برقرار باشد و تصور کردیم شاید در بعضی جاها تخفیفاتی بی جایی داده شده باشد باین جهت باضافات تا قوی بیل ۱۳۲۴ قید کردیم .

**مبصر الملک** - بنده توضیح میخواستم در بعضی فرامین در همان دهمه اول که فرمان

داده شده است جنس را در حاشیه فرمان تسعیر کرده اند از قرار خرواری بک تومان دو تومان یا مثلا پنج تومان آقای مخیر می فرمایند فرمان اولیه معتبر است و آنچه بعد تخفیف گرفته باشند برمی گردد حالا می خواهم توضیح بدهند اگر که در حاشیه فرمان اولیه تصریح شده باشد آیا آن تسعیر برگشت میکند یا بهمان حالت اولیه باقی خواهد ماند

**وزیر مالیه** - بنده تصور میکنم با توضیحاتی که آقای سردار معظم دادند دیگر اشکالی باقی نمی ماند فرمان سند انتقالی بمنزله قبایله است هر چه در فرمان نوشته شده است و هر مالیاتی که در فرمان مصرح است همان مدرک است و حالامه معامله دولت نسبت به آن مبلغ و مقدار خواهد بود اما اگر اعتراض کنند که چرا اضافات و فروعات را علاوه می کنند جواب این است که اینها هم در آن موقع معمول بوده است و جزء فروعات ولایتی بوده است که اداره مرکزی وزارت مالیه صورت آنها را نداشته است پس از آنکه آن صورتها را تهیه کرده است اضافه کرده است پس همانطور که گفته شد بازم عرض میکنم از این که جنس تسعیر شده باشد یا نشده باشد یا نداده باشد و تخفیفی داده باشند هر چه در فرمان مصرح است آن ماخذ معامله خواهد بود

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست ( اظهاری نشد ) گمان میکنم مذاکرات هجالتا باین ماده کافی باشد بقیه شوررا می گذاریم از برای جلسه دیگر دستور روز چهارشنبه هجدهم اولاً شورتانی در بقیه قانون دخانیات ثانیاً بقیه شور اول قانون تبدیل مالیات خالصجات انتقالی ثالثاً انتخاب اعضاء کمیسیون بودجه که چند روز قبل رای دادید و باید اعضایش شناسایی معین شوند و بروند در وزارتخانه برای تا کید در نوشتن بودجه ها

**سر دار معظم** - بنده در دستور عرضی دارم عرض می کنم در آن موقعی که از طرف دولت لایحه فروش خالصجات و استقراض داخلی بمجلس داده شد هر دورا رجوع فرمودند کمیسیون بودجه در صورتی که لایحه استقراض داخلی را باید بکمیسیون قوانین مالیه مراجعه بفرمایند در باب خالصجات کمیسیون بودجه راپورت فروش را داده است حالا اگر اجازه می فرمائید هر دورا بکمیسیون قوانین مالیه مراجعه بفرمایند که از برای فردا عصر که کمیسیون متقدمی شود راپورت یکی از آنها را برای روز چهارشنبه بدهند و جزء دستور روز چهارشنبه بشود

**رئیس** - چون کمیسیون قوانین مالیه دو کار مهم دارد یکی راجع بقانون دخانیات است که چند فقره پیشنهاد شده است و باید در این باب مذاکره شود یکی هم این قانون است اگر رسیدند اگر وقت رسیدگی داشته باشند مراجعه میشود و اگر رسیدند جزو دستور روز چهارشنبه گذاشته میشود

**سر دار معظم** - مقصود این است که برای فردا هم لایحه استقراض داخلی را و هم لایحه فروش خالصجات را مراجعه بفرمایند که اگر برسد جزو دستور بشود

**رئیس** - آقای اعزاز السلطنه راجع بدستور فرمایشی دارید ؟

**اعزاز السلطنه** - بعقیده بنده موقع تجدید

شعبات گذشته خوبست تجدید شعبات هم جزو دستور شور **رئیس** - روز چهار دهم میزان خیلی نزدیک است اگر آقایان مخالف نباشند در همان روز که تعیین هیئت رئیسه میشود شعبات هم تعیین شود

**اعزاز السلطنه** - چون در نظامنامه سماه به سماه معین شده باینواسطه عرض کردم .

**حاج شیخ اسدالله** - البته خاطر آقایان نمایندگان بخوبی مستحضر است که امر نان تهران یکی از مسائل مهمه است که هر زمان در این باب بک اندک غفلت و مسامحه میشده است بک اشکالاتی برای دولت تولید شده است که دولت با خسارات فوق العاده هم موفق باصلاح امر نان نشده است در این موقع سال که موقع فراوانی جنس و وسائل حمل و نقل بخوبی فراهم است مشاهده میشود که امر نان طهران خیلی سخت است یعنی شنیده ام که بعضی از دکا کین بسته شده و بعضی از دکاها هم که باز است نان خیلی کم و آنهم در نهایت بدی است با این که قوت غالب ضعف و فقر نان است و باید دولت خیلی اهمیت باین مسئله بدهد بلکه از وظایف حتمیه دولت است که همیشه برای این امر مهم پیش بینی بنماید که دچار محظورات نشود بنده چندی قبل در این خصوص بک سؤالی از وزارت داخله کرده ام و هنوز برای جواب حاضر نشده اند و روز بروز امر نان دارد بدتر میشود و اگر باین منوال بگذرد بنده تصور می کنم در زمستان کار نان طهران خیلی سخت خواهد شد بنده مأمور دولت را تنقید نمیکنم ولی تصور میکنم بک قدری از غفلت حکومت شهر باشد در هر صورت راجع بهر کسی هست از مقام ریاست تمنی می کنم در این باب بوزارت داخله تا کید شود که بک قدری بیشتر در امر نان توجه بفرمایند که فقرا از این فشار و تنگی نان نگران نباشند یعنی برای زمستان که وسائل حمل و نقل فراهم نیست پیش بینی بکنند بک جنسی فراهم بنمایند

**وزیر مالیه** - چون بنده مسبوق از بعضی اقدامات هیئت دولت ( مخصوصاً وزارت داخله ) در امر نان هستم جواب فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله را عرض میکنم اینکه میفرمایند از پیش در امر نان غفلت شده است بنده تصدیق میکنم ولی متأسفانه آن موقعی که پیش بینی بوده است هیئت دولتی نبوده و موقع بحران بوده است ولی از وقتی که دولت شروع بکار کرده است مسئله نان را جدا در نظر گرفته و برای اینکه مسئله نان طهران حتی المقدور بسختی نکشد بعضی اقدامات کرده اند البته آقایان مسبوقند که جنس بک قسمتهم از بلوکات اطراف تهران را آفت زده است و دولت باید برای تهیه جنس اقداماتی بکند و از نقاط اطراف از قبیل ساوه و هراز و زرنند و جاهای دیگر جنس وارد کند ( اگر چه بعضی از آن نقاط را هم آفت زده است ) مقصود بنده این است که دولت هر اقدامی باید بکند کرده است و بازم تعقیب خواهد کرد و امیدواری هست که اقدامات دولت مؤثر واقع شود

**رئیس** - آقای سردار سهند راجع به امر نان فرمایشی دارید ؟

**سر دار سعید** - خیر

**وزیر مالیه** - اجازه میفرمائید این را عرض کنم که چون آقای حاج شیخ اسدالله در ضمن مذاکرات خودشان فرمودند شاید از غفلت حکومت

طهران باشد بنده شهادت دادم که حاکم طهران از وظایف خودش غفلت نکرده است مخصوصاً در این اواخر چند دفعه با بنده ملاقات کرده است و بنده خوب حس کرده ام که ایشان در امر نان اهتمام کاملی دارند و بنده هم با ایشان کمک کرده ام و البته بازم خواهم کرد

**مؤید الاسلام** - راجع بانتهایات بم و ناظم النجار تقریباً در پنج ماه قبل مجلس رای داد که کمیسیون اصلاح نظامنامه داخلی بآن کار رسیدگی کند و راپورت بدهد و اگر ممکن است بفرمائید کمیسیون در این باب چه اقدام کرده

**سر دار سعید** - بنده میخواستم عرض کنم که در باب سؤالی که ده روز قبل از وزارت خارجه در خصوص مذاکرات معاون وزارت هدلیه راجع به ممتاز السلطنه کرده بودم می خواستم بیرسم جوابی آمده است یا خیر ؟

**رئیس** - یکی سؤال جنابعالی بود و یکی هم سؤال آقای منتشر السلطان راجع بهمین مسئله ابلاغ شده است ولی هنوز جوابی نرسیده است باز هم تا کید می شود جواب آقای مؤید الاسلام را هم آقای مخیر باید بدهند آقای سلیمان میرزا فرمایشی دارید ؟

**سلیمان میرزا** - بلی

**رئیس** - اگر این مسئله را در جلسه آتیه بفرمائید بهتر است چون عده کافی نیست جلسه بعد که آقایان تشریف دارند بهتر خواهد بود

**سر دار معظم** - بنده هم بطور خصوصی آقای مؤید الاسلام را مسبوق خواهم کرد ( مجلس یک ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد )

**جلسه ۶۸**

**صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۱۸ ذی قعدة ۱۳۲۷**

مجلس دوساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز ۱۴ قرائت شد .

غائبین بدون اجازه - آقایان سلطان العلماء حاج شیخ محمد حسین - یزدی حاج مهدب الدوله - آقا شیخ رضای دهخوارقانی

غائب با اجازه - آقای سردار سعید

**رئیس** - آقای صدر الملک مریض بودند و بایشان اجازه داده شده بود اشتها باین بدن اجازه نوشته اند دیگر غیر از این ایرادی راجع بصورت مجلس هست یا خیر ( اظهاری نشد ) صورت مجلس تصویب شد دستور امروز اولاً بقیه شور ثانی در قانون تبدیل مالیات خالصجات انتقالی مالیات اربایی ثالثاً انتخاب اعضاء کمیسیون که چند روز قبل رای دادید برای تا کید در تهیه بودجه ها ولی قبلاً چون آقای سلیمان میرزا در جلسه گذشته راجع بقانون مجازات اظهاری داشتند و وقت نشد بنشاند امروز اظهارات خودشان را بفرمایند اگر مقتضی است حالا بفرمائید والا بماند با آخر جلسه

**سلیمان میرزا** - اگر اجازه میفرمائید عرض کنم .

**رئیس** - بفرمائید .

**سلیمان میرزا** - در مسئله قانون مجازات لازم نیست که بنده در لزوم و اهمیت آن داخل شوم بنظر بنده اگر در این دوره سوم مجلس ما بدو چیز موفق شویم گویا حق خودمان را اداء کرده باشیم یکی تهیه بودجه و معین کردن جمع و خرج مملکت یکی دیگر قانون مجازات اگر این دو اصل را ما در این دوره موفق شویم و بتوانیم انجام بدهیم گویا موکلین ما از ما راضی باشند و بوظیفه خودمان تا بک اندازه عمل کرده باشیم سایر چیزها را بنده فرغ بر این دو اصل میدانم و بیش از این نمی خواهم داخل در اهمیت قانون مجازات شوم و بطور خلاصه عرض میکنم که اگر در این مملکت مردم باید از امنیت یا از هر چه که فرض می کنیم بهره مند و راحت باشند یا اینکه ما بتوانیم آزادانه اینجا حرف بزیم باید زودتر قانون مجازات را بگذرانیم تا هر کس بداند اگر خلافی کرد مجازاتی برای او هست والا با این ترتیب حاضر که می بینیم هر کس هر خلافی می کند تکلیفش معلوم نمی شود با اشخاصیکه مال دولت را حیث و میل میکنند چون بهیچوجه قانون مجازاتی در پیش نیست همینطور میگردد و معلوم نیست بعد از آنکه محقق شد چه مجازات باو داده میشود یا سایر اجحافات و تعدیاتی که از مأمورین دولت یا اشخاص عادی بروز میکنند چون قانون مجازاتی در کار نیست مطمئن هستند که هر کاری بکنند بک مجازاتی در مقابل نیست آنقدرها اهمیت بصحت عمل نمیدهند با این وصف متأسفانه بنده میبینم که مدتها است این قانون مجازات در کمیسیون هدلیه مانده است و با اینکه برای تسریع او تصویب شده که همینقدر که این قانون از کمیسیون گذشت بموقع عمل بیاید معدالک کله هنوز بک قسمت از قانون مجازات راضیاً قسمت خلاف آنهم تمام نشده است و هنوز چهار پنجمه از آنهم نگذشته و آنچه بنده از خارج اطلاع دارم هنوز در کلیات این قانون صحبت میکنند و با این ترتیب گمان میکنم بالمره وقت بگذرد و دوره مجلس تمام شود و قانون مجازات بهیچوجه تمام نشود و بمورد عمل نیاید این است که میخواستم از آقای رئیس استعفا کنم که تا کیدی بفرمایند و همین طرد از آقایان اعضاء کمیسیون استعفا میکنم که اهمیتی بقانون مجازات بدهند و جلسات خودشان را هر چه قدر میتوانند زودتر و متوالیاً تشکیل بدهند شاید باین مقصود نائل شده و باین خدمت بزرگ موفق شوند .

**هدرس** - مکرر در اغلب هفتهها از قانون مجازات اسم برده می شود و چون بدبختانه بنده یکی از کسانی هستم که در کمیسیون هدلیه هستم میخواستم عرض کنم که تجربیات ما نشان داده که قانون نویسی کار بسیار آسانی نیست بواسطه اینکه در دوره سابق کمیسیون هدلیه زحماتی کشیدند و با اقدامات آقای مشیرالدوله ( که انصافاً باید اهل این مملکت قدر ایشان را بدانند و خیلی کم نظیرند ) و بعضی آقایان هم تشریف داشتند و قانونی نوشتند افسوس بعد از آنکه این قانون بمورد اجراء رفت خوب بعمل اجراء گذاشته نشد چقدر زحمات ب مردم وارد شد و چه قدر گفتگوها و اشکالات تولید شد لهذا این تجربیات ما نشان داد که باید خیلی در قانون دقت بکنیم ملاحظه بفرمائید بک ماده یادوماده